

The Bible led me to
Islam

کتاب مقدس مرا به

اسلام

رهنمود

نویسنده: عبد المالك ليبلانك

مترجم: م ه خطيب

Published By: www.EslahOnline.Net

این نوشتار برای مسیحیانی (Christians) نگاشته شده است که مسئولانه و با علاقمندی زیاد در جستجوی خدای یکتا و عبادت او تعالی میباشند، عبادت بی آایشانه که بر اساس عادات و رسوم اجتماعی و خانوادگی استوار نبوده بلکه پرستش پروردگار را حق فطری و وجوبیه خود میدانند.

محتوای این کتاب، مواد برگزیده شده از چندین کتاب دیگر است که در باره مسیحیت نگاشته شده و من افتخار مطالعه آنرا قبل و بعد از مشرف شدن به اسلام داشتم. پس از آنکه (خداوند مرا هدایت نمود و به لطف و مرحمت او تعالی) مسلمان شدم به مطالعات خود در باره مسیحیت، کما کان، ادامه دادم؛ زیرا لباس دینی را، که بیست و هشت سال از عمر گرانبهای خود را در آن سپری نموده بودم، یکباره بدور افکندن کار ساده و آسانی نبود. خصوصاً من که سالهای متمادی را در کلیسای میتودستی اسقفی افریقا (African Methodist Episcopal) واقع در منطقه گریت فالز ایالت مونتانی (ایالات متحده امریکا) بحیث کشیش و اسقف اعلی ایفای وظیفه مینمودم. درین کتاب، کوشش به خرج داده شده تا معلومات مناسب و مفید را از کتابهای تخصصی انتخاب نموده و به اسلوب سهل و آسان، آن معلومات ابتدائی را چنان ترتیب و پیشکش خواننده نمایم، که خودم در دوران مسیحیت دوست داشتم کسی به من پیش نماید. اگرچه مسأله مسلمان شدن بنده، آنچنان که اراده خداوند تعالی رفته بود، عملی شد.

در اینجا میخواهم به یک نکته مهم اشاره نمایم، اینکه هرگاه درین کتاب نام خداوند را ذکر می نمایم مرادم الله، همان ذات یکتا ایست که نه شریکی دارد و نه بخشی از عقیده تثلیث است. لازم به یاد آوریم که لفظ عربی اسم ذات (الله) همان لفظیست که مسیحیان نیز مانند مسلمانان به خداوند متعال اطلاق مینمودند.*

*) به لفظ (ALLAH) در (دائرة المعارف) انسایکلوپیدیای بریتانیکا، چاپ سال 1966 مراجعه شود.

آرزو مندم تا قبل از مطالعه این سطور، نظریات قبلی خود را در باره مسیحیت و اسلام، جانب گذاشته، با ذهن باز کتاب را مطالعه نمایم. باشد که به یاری خداوند متعال، مطالعه این جزوه کوچک شما را علاقمند مطالعه بیشتر و فراتر از کتاب مقدس (Bible) نماید، تا بتوانید بعد از شناسایی مسیحیت و اسلام، در باره پیروی از راه حق، خود آگاهانه تصمیم گرفته و آنرا به حیث روش و آئین زندگی خویش انتخاب نمایید. البته تصمیم گیری شما درین زمینه، انتخاب آگاهانه خود شما خواهد بود نه انتخاب والدین و یا رسانه های گروهی. پس از آنکه حقایق در برابر شما قرار گرفت، خواهید توانست زندگی خود را با مقصد اصلی پیدایش که همانا عبادت الله متعال می باشد، عیار نمائید.

عبادت بدون وقفه ئی خداوند! :

در روز های که زندگی ام را به حیث یک کشش مسیحی سپری مینمودم، با آیت های از کتاب مقدس برمیخوردم که مرا درباره دینی که پیرو آن بودم (مسیحیت) به سؤال وادار میکرد. یکی ازینها آیت هفدهم ، باب پنجم ، کتاب اول تسالونیکیان، هست که میفرماید: { خدا را بدون وقفه عبادت نمائید}. این آیت برذهنم فشار وارد مینمود و خیلی حیران بودم که به حیث یک فرد مسیحی چگونه میتوانم خدای خود را بدون وقفه عبادت وپرستش نمایم؛ زیرا در عدم موجودیت رهنمایی وارشاد کتاب مقدس درین زمینه یگانه راه عمل کرد به آیت مذکور"خدا را بدون وقفه عبادت کنید"، این بود که همیشه کار نیک انجام داده وبه یاد خداوند زندگی بسربرم، ولی این کار(درغیاب دستور کتاب مقدس) عملاً ممکن نبود. تا اینکه در سال 1987م با دین مبین اسلام وتعالیم نجات بخش آن شناخت حاصل نموده، مطالعات وآگاهی خود را در باره این روش وبرنامه کامل زندگی(دین اسلام) بیشترنمودم. برایم ثابت شد که اسلام در عرصه های مختلف زندگی از تعالیم ورهنمائی های الهی برخوردار است. قرآن وسنت(روش زندگی پیامبراسلام محمد مصطفی - صلیالله علیه وسلم-) به انسان می آموزد که چگونه زندگی اش را در حالت عبادت وپرستش دائمی سپری نماید.

تعالیم وهدایات دین مبین اسلام، درهمه حالات: بیداری وخواب ، خوردن ونوشیدن، در آیین دیدن ولباس پوشیدن ، همسرداری، وچگونگی تعامل با زنان بیگانه ، بازار رفتن وتجارت، تشناب کردن وغسل گرفتن ، ناخن گرفتن، حالات سفروحضر، عیادت مریض ومشايعت جنازه، نشستن در مجلس، فاژه کشیدن وعطسه زدن ، سلام کردن ، گفتگو ، مهمان نوازی، قدم زدن ، ورزش کردن ، وحالات به خانه داخل شدن، ادای نماز وحتى همخوابگی با همسر.. [جنگ وصلح رهبری وسیاست وحکومت داری] ...وغیره کارها. درهمه حالت وعرصه های زندگی، اسلام، کتاب آسمانی اش قرآن کریم وسنت مطهر رسول گرامی اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) نمونهء خوب وعملی برای سپری نمودن زندگی در عبادت دائمی بلاوقفه است . تنها با پیروی از اسلام میتوان آیت هفده باب پنجم کتاب اول تسالونیکیان را عملی کرد. با این هدایات واضح اسلام به من آرامش روحی عطا کرده فرمانبرداری الله متعال را بیاموخت.

رهنمود های اسلام مرا به مسؤولیت ومکلفیتهایم دربرابر آفریدگارم متوجه ساخته و در باره این حق طبیعی که تنها دربرابراو سراطاعت خم نمایم، وحتى در باره حقیقت "مسیحیت" نیز به من آگاهی کافی داد. لذا آنچه را که در باره مسیحیت مطالعه نموده وآموخته ام، میخواهم به حیث یک مسلمان، با شما نیزشریک ساخته وتجربه ام را که چگونه کتاب مقدس (Bible) [این کتاب مشتمل بر"عهد عتیق" و"عهد جدید" بوده که در نزد مسیحیان مقدس میباشد.] مرا به اسلام کشانید، با شما در میان گزارم.

مسیحیت (Christianity)

با در نظر داشت این حقیقت که در تاریخ "عهد عتیق" (Old Testament) کتاب مقدس مسیحیان، هرگز نمیایم که هیچ دینی بنام پیغمبران نامگذاری شده باشد. (نظیر نامهای دین آدمیت یا دین آدم (ع)، دین ابراهیمیت، دین موسویت... و غیره)، میخواهم این مطلب را واضح سازم که عیسی- (ع)- هرگز مسیحیت را تبلیغ نکرده است؛ بلکه دینی را تبلیغ نموده اند که دران عبادت صرف از آن خداوند واحد ولاشریک است و بس.

یکی از سؤال هاییکه در زمان مسیحیت از خود می پرسیدم، به ویژه بعد ازآنکه مذهب مسیحیت را به دیده کاوش علمی وغیرجانبدارانه (Objective) تحت غور قرار دادم، این بود که: اصطلاح مسیحیت (Christianity) از کجا آمده و آیا شخص عیسی (ع) این کلمه را بکاربرده است یا خیر؟ لفظ مسیحیت را نه تنها اینکه در کتاب مقدس نیافتم بلکه در قاموس زبان کتاب مقدس نیزمشاهده نمیشود. به خصوص این مطلب که عیسی (ع) خود را مسیحی (Christian) خوانده باشد هرگز به نظر نمیخورد.

نام مسیحیت، نه توسط عیسی (ع) بلکه توسط مشرکان و بت پرستان برای اولین بار به کار برده شده و پیروان او (ع) را بنام مسیحی خوانده اند. این لفظ در یکی از سه باریکه ذکرش در "عهد جدید" کتاب مقدس رفته است، در سال 43 بعد از میلاد بوده که توسط بت پرستان ویهودان درانطاکیا عنوان شده است، یعنی سالها بعد ازآنکه عیسی (ع) زمین را ترک گفت (رساله اعمال رسولان 11: 26 و 26: 28 و اول پطرس 4: 16). قبول کردن لفظیکه توسط مشرکان نامگذاری شده و به آن ارزش قائل شدن یا الهی و آسمانی شمردن آن، (کاملاً جفا به آن دین بوده) و با تعالیم همه پیامبران الهی درتعارض است.

عیسی (ع) خود پیشبینی کرده بود که مردم مرا بیهوده پرستش کرده به عقیده ایکه ساخته انسان است ایمان می آورند:

{ این مردم با زبان خود به من احترام میگذارند، اما دلشان از من دور است. عبادت آنان باطل است زیرا رسوم بشری را بجای احکام الهی به مردم تعلیم میدهند. } (انجیل متی 15: 9)

قرآنکریم مطلب فوق را تأیید نموده، چنین میفرماید:

{ و (خاطر نشان ساز) آنگاه را که خداوند میگوید: ای عیسی پسر مریم! آیا توبه مردم گفته ای که جز الله، من و مادر من را هم دو خدای دیگر بدانید (و ما دو نفر را پرستش کنید؟). عیسی میگوید: تو را منزله از آن میدانم که دارای شریک و انباز باشی. مرا نسزد که چیزی را بگویم (و بطلبم که وظیفه و) حق من نیست. اگر آن را گفته باشم بیگمان تواز آن آگاهی. تو) علاوه از ظاهر گفتار

من) از راز درون من هم باخبری، ولی من (چون انسانی بیش نیستم) از آنچه بر من پنهان میداری بی خبرم. زیرا تو داننده رازها و نهانیهای (واضحفایا و نوایای امور باخبری).

من به آنان چیزی نگفته ام مگر آنچه را که مرا به گفتن آن فرمان داده ای (وآن) اینکه جز خدا را نپرستید که پروردگار من و پروردگار شما است (همو مرا و شما را آفریده است و همه بندگان اوئیم). من تا آن زمان که در میان آنان بودم از وضع (اطاعت و عصیان) ایشان اطلاع داشتم، و هنگامیکه مرا میراندی، تنها تو مراقب و ناظر ایشان بوده ای (و اعمال و افکار شان را پائیده ای) و تو بر هر چیزی مطلع هستی). (قرآن کریم - المائدة/116-117)

مطلب آیات قرآنی فوق را نیز مورد تأیید کتاب مقدس در آیات زیر میابیم: (رساله اعمال رسولان 2: 22، سفر اشعیا 42: 8، انجیل یوحنا 5: 30، 12: 49 و 14: 28)

قبل از اینکه موضوع "مسیحیت" را که محور اصلی این کتاب است ترک نمایم، میخواهم به این ملاحظه کوچک توجه شما را جلب نمایم:

اگر مسیحیان (Christians) واقعا (Christ-Like) مانند مسیح میبودند، پس چرا به همدیگر مانند او "سلام بر شما" نمیگویند؟

به اساس روایت (انجیل لوقا 24: 36)، عیسی (ع) پیروانش را مانند مسلمانان، با شعار "سلام بر شما" بدرقه مینمود.

نسخه های گوناگون کتاب مقدس:

لازم به یاد آوریست که کتاب مقدسیکه بدان درینجا اشاره میشود و آن دیگری که در دسترس شماست، شاید باهم تفاوت زیاد دارند. البته نسخه های دیگر کتاب مقدس (Bible) که در بازارها و کتابفروشی ها به فروش میرسد ازهم متفاوت بوده، هر کدام به فرقه و گروه خاصی از مسیحیان متعلق است. ادعای هر گروه برین است که کتاب مورد استفاده آنها، موثقترین نسخه های کتاب مقدس بوده، باوجود اختلافات عمیق، نسخه دست داشته خود را به خداوند نسبت میدهد. بطور مثال نسخه های زیر در بازارها به فروش میرسد:

The Revised Standard Version, ترجمه تجدید نظر شده و استاندارد سالهای 1952 و 1971، (دو نسخه متفاوت)

استاندارد جدید امریکائی کتاب مقدس (New American Standard Bible)

کتاب مقدس: ترجمه جدید بین المللی (The Holy Book: New Int. Version)

کتاب مقدس زنده یا the Living Bible

نسخه ترجمه دنیای جدید، نسخه ای که شهود یهوه بدان استناد مینمایند New Translation of the Holy Scriptures ... و نسخه های گوناگون دیگر.

یک ملاحظه خیلی دلچسپ:

اگر به متن کتاب مقدس مراجعه شود دیده خواهد شد که نامهای "عهد عتیق" (Old Testament) و "عهد جدید" (New Testament)، در نص این کتاب ذکر نشده است. و همچنان نام خود "کتاب مقدس" (Bible)، نیز در نصوص این کتاب به نظر نمیرسد.

برعلاوه تعداد گروهها و فرقه های مختلف مسیحی و تعدد نسخه های کتاب مقدس، مردان مختلف نیز وجود داشته اند که نه رسول و نه پیغمبر، بلکه مؤسسان این فرقه ها اند، هر کدام تفسیر مختلفی از کتاب مقدس یا آراء و نظریات انسانی را، به حیث عقیده خود تلقی نموده اند. جدول صفحه..... زیر عنوان مصدر اصلی گروههای مذهبی عمده در ایالات متحده امریکا، نشان میدهد که چگونه نصرانیت امروزی شکار عقاید ساختگی مؤسسان و دکتربین ساخته و بافته انسانها شده است.

در اینجا میخواهم در باره یک سؤال خیلی مهم و با ارزش، که آیا کتاب مقدس کلام خداوند است و یا خیر؟ معلوماتی چند ارائه نمایم. شاید هم این معلومات از نظر شما نگذشته و برایتان تازه باشد. بتاريخ هشت سپتمبر سال 1957 میلادی، فرقه "شهود یهوه" در مجله تبلیغاتی و تبشیری اش بنام بیداری (Awake) با تیتر درشت عنوان تکاندهنده زیر را به چاپ رساند:

پنجاه هزار غلطی و اشتباه در کتاب مقدس (Bible)!!!

اگر امروز یکی از پیروان گروه مذکور را در باره آن عنوان تکاندهنده سؤال نمائید خواهد گفت که اکثریت آن غلطی ها از کتاب مقدس دور کرده شده است. سؤال اینجاست که (آیا واقعا این غلطی ها را اصلاح نموده اند؟) و چند غلطی را اصلاح کرده اند 5000؟ 500 یا 50 غلطی را؟ اگر فقط پنجاه غلطی هم در این کتاب گویا مقدس باقی مانده باشد، آیا آن اغلاط و اشتباهها را به خداوند نسبت دادن کار مناسب خواهد بود؟

از مسیحیان پرسیده شود که در باره آیت هشت، فصل هشت سفرارمیا، که میگوید کتاب تورات نیز دستخور شده است و همه آن کلام خداوند نیست، نظر شما چیست؟
{ چگونه ادعای هوشیاری دارید که قانون پروردگار (کتاب تورات) با ماست؟ یقینا او (کسیکه به آن دست زده است) آنرا بیهوده ساخته است؛ قلم نویسندگان بیهوده است. (سفر ارمیا 8:8)

یک سؤال جالب دیگر!

اگر کتابی دربرگیرنده آیتهای متضاد و متعارض باشد که یکدیگر را رد مینماید، آیا میتوان چنین کتابی را مقدس خواند؟
طبیعیست که جواب شما هم منفی خواهد بود؛ زیرا کتابیکه محتوای آن با هم تعارض داشته باشد، هرگز مقدس شده نمیتواند.

به اجازه خواننده عزیز، به چند مثالی از تعارضات " کتاب مقدس " (عهد عتیق و عهد جدید) میپردازم:

دوم سموئیل 8: 4 با اول تواریخ 18: 4 تعارض دارد، و همچنان :

دوم سموئیل 8: 9-10 با اول تواریخ 18: 9-10

دوم پادشاهان 8: 26 با دوم تواریخ 22: 2

دوم سموئیل 6: 23 با دوم سموئیل 21: 8

سفر تکوین 6: 3 با سفر تکوین 9: 29

انجیل یوحنا 5: 37 با یوحنا 14: 9

ویوحنا 5: 31 با یوحنا 8: 11 متعارض بوده یکدیگر را رد مینماید.

در مثالهای فوق، فقط به دو مثال از تعارضات "عهد جدید" ذکر شده و باقی مثالهای آنرا را در مبحث های عقیده تثلیث ، خدایی عیسی ، فرزند خدا، اصل گناه و مبحث کفاره گناهان درج مینمایم.

چگونه ممکن است کلام خداوند، در باره نسب عیسی (ع) غلط شده باشد؟

در انجیل متی 1: 6-16، بین عیسی (ع) وجد اعلی او داود(ع)، 26 نفر ذکر شده است. حالانکه عین مطلب را انجیل لوقا 41 نفر نگاشته است. (لوقا 3: 23-31)

یا اینکه، چگونه خداوند متعال در مورد عیسی (ع) که بدون پدر از مریم (ع) به دنیا آمده است، به اشتباه رفته و شجرهء به او، نسبت داده است.

اگر به رساله دوم پادشاهان 19: 1-37 نظر شود، و روایات آنرا با روایات سفر اشعیا 37: 1-38 مقایسه نمائید، این سؤال مطرح میشود که : چرا الفاظ و کلمات این آیات یا روایات با هم شباهت دارند؟ در حالیکه آنها به دو نفر مختلف، که باشند دو منطقه از هم دور افتاده میباشند، نسبت داده شده است. و این درحالیست که مسیحیان ادعا دارند، که کتابهای متناقض آنها، از جانب خداوند متعال به آنها الهام ووحی شده است!

آیا خداوند متعال فراموش کرده بود که این آیات را یکبار قبلا فرستاده، تا بار دیگر آنرا کلمه به کلمه و هو به هو نازل نمیکرد؟

به خاطر مطالعه بیشتر در باره تناقضات کتاب مقدس به کتاب " یکصدویک حالات ضدونقیض در کتاب مقدس " نوشته محترم شیرعلی ، رجوع نمایید. درینجا چند مثالی ازین کتاب را خدمت شما تقدیم مینمایم:

50* آیا عیسی (ع) قبل از تکه شدن پردهء معبد، جان به حق سپرد و یا بعد از پاره شدن آن ؟

الف: جواب انجیل متی و مرقس اینست که او قبل از پاره شدن پردهء معبد وفات نموده است.

(انجیل مرقس 15: 37-38 و انجیل متی 27: 50-51)

باء: اما جواب انجیل لوقا غیر ازین است، که میگوید: [آنگاه پرده ضخیمی که در جایگاه مقدس خانه خدا آویزان بود از وسط دو تکه شد. سپس عیسی به آواز بلند گفت: "ای پدر روح خود را به دستان تو میسپارم" (یعنی هنوز زنده بود) (انجیل لوقا 23: 45-46)

54 * آیا عیسی (ع) در عین روز مصلوب شدن به آسمان عروج کرد و یا بعد از آن ؟

الف: جواب انجیل لوقا میگوید که: عیسی (ع) به دزدیکه از وی به دفاع برخاست چنین فرمود: [امروز تو بامن یکجا در فردوس خواهی بود] (یعنی عیسی (ع) در همان روز مصلوب شدن به آسمان عروج کرد) (انجیل لوقا 23-24)

باء : به اساس روایت (انجیل یوحنا 20: 17)، روز بعدی مصلوب شدن عیسی (ع) به مریم مجدلیه (ماریا مگدلین) میگوید: [هنوز من بسوی پدر بالا نرفته ام].

[تعارض در بین دو روایت فوق آشکار است.] [عقیده مسلمانان اینست که نه عیسی (ع) را به صلیب کشیده اند و نه کشته اند بلکه خداوند -جل جلاله- ویرا بسوی خود بالا برد. و قبل از قیامت به دنیا نزول خواهد کرد که دجال را کشته صلیب را شکسته و خنزیر را نابود مینماید و در سراسر دنیا عدل را حاکم مینماید. البته این نزول نه به حیث پیامبر بلکه به حیث یکی از پیروان و یکتا از امتی های پیامبر آخر زمان محمد- صلی الله علیه وسلم - میباشد.]

61 * یهودا اسخریوطی چگونه از دنیا رفت و بمرد؟ [شاگرد بی وفای عیسی (ع) که در بدل پول ناچیز او را بفروش رساند.]

الف: {پس او سکه ها را [که از فروش عیسی (ع) بدست آورد] در خانه خدا ریخت ، و بیرون رفت و خود را با طناب خفه کرد}. (انجیل متی 27: 5)

باء: ولی با پولی که بابت خیانت خود گرفت، مزرعه ای خرید، در همانجا با سر سقوط کرد، از میان درپاره شد و تمام روده هایش بیرون ریخت}. (اعمال رسولان 1: 18)

75 * کتاب مقدس در باره آخرین حرف و کلام عیسی (ع) چه میگوید؟

الف: {سپس عیسی با صدای بلند گفت: ای پدر، روح خود را به دستان تو میسپارم}. (انجیل لوقا 23: 46)

باء: {وقتی عیسی چشید فرمود: "تمام شد" سرخود را پایان انداخت و جان سپرد}. (انجیل یوحنا 19: 30)

بنده به پژوهش وجست وجوی معنای ایستر (Easter)، یکی از اعیاد مسیحیان، پرداختم. این لفظ در (کتاب اعمال رسولان 12: 4) ذکر شده است. دکشنری نلسن بایبل، درباره آن مینویسد، که این لفظ ترجمه غلط لفظ یونانی "Pascha" یا "Passover" میباشد. اما "جشن پسح" عید یهودان است نه رخصتی مسیحیان، و عیسی (ع) به روایت (انجیل متی 26: 17-20) ازین عید یهودی تجلیل نموده است. پس چرا مسیحیان امروزی که ادعای پیروی از آیین مسیح را دارند، مانند عیسی (ع) ازین روز تجلیل نمی کنند؟ و یا بعبارت دیگر، چرا مسیحیان از یهودیت پیروی

نمی کنند؟ جواب اینست که دستهای غرض آلود انسانهای خود غرض، همیشه با این کتاب گویا مقدس بازی نموده، و چه خیانت بزرگ و بازی خطرناکی!!

از مطالب که درین مبحث ذکر شد، و همچنان اعتراف دانشمندان کتاب مقدس، به طبیعت انسانی "کتاب مقدس" و اینکه مرتب و نویسنده آن انسانها میباشد، مسیحیان باید این حقیقت را قبول نمایند که کم از کم هر حرف و کلمه این کتاب به اصطلاح مقدس، مقدس نبوده و کلام خداوند متعال نمی باشد. (لطفا درین رابطه به کتاب ذیل مراجعه شود:

"The Old Testament: Its Origin and Composition" نوشته Curt Kuhl صفحات 47, 51, 52

لطفا به این ملاحظه جانبی و جالب دیگر توجه نمایید! بعضی مسیحیان ادعا دارند که "کتاب مقدس" آنها را راهبی به پیامبر اسلام حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - تعلیم نموده است، به این سبب در قرآن آیاتی را شبیه آیات کتاب مقدس درمیابند!! **بطلان این ادعا** را، پژوهش و تحقیقی که در این زمینه داشتم برایم ثابت کرد؛ زیرا در قرن ششم میلادی، که پیغمبر اسلام حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - می زیست، و مردم را بسوی اسلام فرامیخواند، اصلا ترجمه کتاب مقدس به زبان عربی هرگز وجود نداشته است؛ فلذا هیچ عربی حتی شخص رسول خدا حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - که انسان امی و تعلیم نکرده ای بود، فرصت استفاده از کتاب مقدس رانداشته است.

قرآن مجید چنین میفرماید:

{ ای اهل کتاب! پیغمبر ما (محمد) به سوی شما آمده است. بسیاری از چیزهایی را برایتان روشن میسازد که از کتاب (تورات و انجیل) پنهان نموده اید، و از بسیاری از چیزها (و مطالبی که پنهان ساخته اید و فعلا مورد نیاز نیست) صرف نظر مینماید. از سوی خدا نوری (که پیغمبر است و بینشها را روشنی می بخشد) و کتاب روشنگری (که قرآن است و هدایت بخش مردمان است) به پیش شما آمده است.

خداوند با آن (کتاب) کسانی را به راههای امن و امان (از ترس و هراس دنیا و آخرت) هدایت میکند که جویای خوشنودی او باشند. و با مشیت و فرمان خود، آنان را از تاریکیهای (کفر و جهل) بیرون میآورد و به سوی نور (ایمان و علم) میبرد، و ایشان را به راه راست رهنمود میشود. (سوره مائده: 15-16)

کتابهای انجیل:

هرگاه آیات 2-3 اصحاح اول انجیل لوقا (Luke 1:2-3) را بخوانید، مانند من به این نتیجه خواهید رسید که نویسنده این کتاب (انجیل لوقا) (از شاگردان دوازده گانه عیسی (ع) نبوده بلکه هرگز او را به چشم ندیده است) خودش (لوقا) گفته است که او عیسی (ع) را در حالت گردش در روی زمین مشاهده نکرده است (شاهد عینی نبوده)، بلکه معلوماتی را که او (لوقا در انجیل خود) جمع آوری

نموده است از اشخاص و مراجع دیگر است که عیسی (ع) را خود دیده اند، و همچنان اضافه مینماید که این معلومات از جانب خداوند متعال برایش (لوقا) وحی نشده است.

تصادفا چرا انجیل های موجوده، همه با این افتتاحیه آغاز میشود که **به روایت فلان یا به نقل از فلان وبه گفته فلان** (According to) ؟ چرا به روایت فلانی؟!؟

دلیل این است که هیچ یک از انجیل های موجوده، اصلی نبوده، مهر و امضای آورنده اصلی آن (عیسی (ع)) را در خود حمل نمینماید. [اگر انجیل های امروزه همان انجیلی میبود که به عیسی (ع) نازل شده است، ضرورت به اقتباس از دیگران نبود، حالانکه انجیل های مذکور کار کس دیگری غیر از عیسی (ع) میباشد و این نفر سومی ایست که در باره حوادث گذشته تاریخی مینویسد، مانند اینکه تاریخ نگاری از حوادث گذشته سخن میگوید. نکته ای که لازم به یاد آوریم اینست که مسلمانان به اصل کتابهای آسمانی ایمان دارند نه به تحریف شده آن.] حجت ذاتی انجیل متی آیت نهم فصل نهم خود ثابت میسازد که "متی" نویسنده انجیلی که نامش را حمل مینماید، نیست.

{عیسی بر سر راه خود، به یک باجگیر به نام "متی" برخورد، که در محل وصول باج و خراج نشسته بود. او به وی فرمود: "بیا و مرا پیروی کن!" متی فوراً برخاست و همراه او رفت. (انجیل متی 9:9) خواننده روایت فوق، بدون خیال پردازی، میبیند که ضمائر **او و وی** که در بالا ذکر شده است به عیسی (ع) و متی (نویسنده انجیل متی) به حیث مؤلف انجیل ذکر نشده؛ بلکه نویسنده نفر سومی ایست که چشم دید و یا گوش شنید خود را قصه مینماید (شهادت گوش شنید). و همچنان از روایت فوق این فهمیده نمیشود که خداوند (ج) آنرا وحی کرده باشد.

این یک امر مسلم، بدیهی و آشکار است، که انتخاب چهار انجیل موجوده (متی، مرقس، لوقا و یوحنا)، در مجمع نیسیا (Council of Nicea) در سال 325 میلادی، تحت سرپرستی امپراطور بت پرست و مشرک بنام "قسطنطین" قبولانده شده است، ازینرو از هیچ ارزشی برخوردار نیست؛ زیرا عیسی (ع) خود این انتخاب را نکرده است.

فهم و برداشت قسطنطین نه با مطالعه کتاب مقدس و یا الهام الهی منور شده بود؛ بلکه او یک امپراطور بت پرست، مشرک، ظالم و جنایتکاری بود که حتی فرزند و خانم خود و هزاران تن افراد بیگانه دیگر را بخاطر هوای رسیدن به قدرت سیاسی از تیغ کشید. قسطنطین تصامیم دیگر اعتقادی مجمع نیسیا را نیز به تصویب رسانید. مانند عقیده پسر خدا خواندن عیسی (ع) "فرزند خدا، یگانه فرزند مولود از خدای پدر" و غیره.

صدها انجیل و نوشتار های دینی دیگر از انظار مردم مخفی گردید. برخی از ان نوشتار ها توسط شاگردان عیسی (ع) نوشته شده بود و اکثریت دیگر مربوط نویسنده های بود که شاهدان عینی عملکرد های عیسی (ع) بودند. مجمع نیسیا تصمیم سوزاندن همه انانجیلی را گرفت که به زبان عبری نوشته شده بود، در نتیجه این جنایت بزرگ، در حدود سه صد انجیل عبری سوزانده شد.

حال اگر فرض نمائیم انجیل‌های سوزانده شده موثقت و اعتبارتر از چهار انجیل انتخابی کنونی نبوده است، از لحاظ اعتباری بودن، کم از کم مساوی به این چهار بوده است. برخی از انجیل‌های عبری هنوز هم در دسترس قرار دارد مانند انجیل برناباس (Gospel of Barnabas) و چوپان هرماس (Shepherd of Hermas) که با قرآن کریم موافقت دارد. انجیل برنابا درحقیقت یگانه مصدريست که شاهد عینی زندگی و پیام عیسی (ع) میباشد. در عصر حاضر جهان مسیحیت، پروتستانت‌ها، فرقه‌ها، شاهدان یهوه، معتقدین حوادث روز هفتم (Seventh Day Adventists)، ومذاهب و فرقه‌های دیگر مسیحی، ترجمه رومان کاتولیکی کتاب مقدس را به این دلیل تقبیح مینمایند که دربر گیرنده هفت کتاب اضافی میباشد. فرقه پروتستانت شجاعانه کتابهای اضافی هفتگانه را از "کتاب مقدس" خود حذف نموده اند. برخی از کتابهای حذف شده عبارت اند از: کتاب یودس (Judith)، کتاب توبیاس (Tobias)، کتاب باروش (Baruch) و کتاب استر (Esther). نویسندگان کتابهای انجیل دائماً یاد آور میشوند که عیسی (ع) انجیل را تبلیغ مینمود. در انجیل متی 9: 35، مرقس 8: 35 و لوقا 20: 1، لفظ انجیل (Gospel) به شکل مکرر در کتاب مقدس ذکر شده است. اما در نسخه یونانی عهد جدید، لفظ بشارت دهنده (Evangelion) آمده، که به مژده (Good News) ترجمه شده است.

سؤال این است که کدام انجیل را عیسی (ع) تبلیغ نموده است؟ از بین 27 کتاب عهد جدید، تنها بخش کوچک آنرا میتوان به عیسی (ع) نسبت داد، چنانچه معروف است، تنها 4 کتاب از جمله 27 کتابهای مذکور بنام انجیل عیسی یاد شده است، و شاید پولس 23 کتاب باقی را نوشته است! مسلمانان به این عقیده اند که عیسی (ع) یکی از پیغمبران و فرستاده خدا (ج) بوده، الله متعال به او انجیل را فرستاد که غیر از انجیل موجوده بوده است. اما انجیل‌های امروزی را که با پیام عیسی (ع) مغایرت دارد، قبول ندارند.

انجیل مرقس که قدیمی ترین انجیل‌ها به شمار میرود، در بین سالهای 60-75 میلادی به رشته تحریر درآمده است. مرقس خواهرزاده برناباس بود. متی مامور وصول باج و خراج (باجگیر) بود، مامور پایان رتبه ای که همراه با عیسی (ع) سفر نکرده است. انجیل لوقا خیلی بعد ها نوشته شده است، در حقیقت، از همان مراجعی که مرقس و متی استفاده نموده اند او نیز استفاده نموده است. لوقا طبیب شخصی پولس بوده است، مانند او، هرگز عیسی (ع) را ملاقات نکرده است. آیا میدانید که نام مرقس و لوقا درلست شاگردان دوازده گانه عیسی (ع) که متی ذکر کرده است، نیز شامل نیست؟ (متی 10: 2-4)

نامهای آن دوازده شاگرد قرار ذیل است:

شمعون (معروف به پطرس)، اندریاس (برادر پطرس)، یعقوب (پسر زبدی)، یوحنا (برادر یعقوب)، فیلیپ، برتوما، توما، متی (باجگیر معروف)، یعقوب (پسر حلفی)، تدی، شمعون (عضو حزب "فدائیان") و یهوذا اسخريوطی (کسی که در آخر به عیسی خیانت کرد).

انجیل یوحنا از مآخذ مختلفی استفاده نموده ، و در حوالی سال 100 میلادی به رشته تحریر درآمده است. این یوحنا با یوحنا شاگرد که در سال 44 میلادی ، سالها قبل از نوشتن انجیل ، توسط اگریپا (Agrippa) اعدام شد، به اشتباه گرفته نشود. باید اضافه کرد که برای دو قرن متمادی این امر مورد مناقشه گرم بود، که آیا انجیل یوحنا به حیث مآخذ زندگی عیسی (ع) قبول شود یا خیر، و آیا آنرا درجملهء کتابها حساب کنند یا خیر؟

مسیحیان، به این می نازند که انجیل بروایت متی، انجیل به روایت مرقس، انجیل به روایت لوقا و انجیل به روایت یوحنا، (من هم زمانی به آن می نازیدم). اما اگر فکر شود ، درین جمله یک انجیل هم مطابق خود عیسی (ع) وجود ندارد. به اساس مقدمه KJV New Open Bible Study Edition لفظ "انجیل" به نامهای اصلی این کتابها اضافه شده است، و نام اصلی این کتابها قرار ذیل بودند: "به روایت یوحنا، به روایت متی، به روایت لوقا و به روایت مرقس". (لفظ انجیل بعدها به آن اضافه شده است)

اجازه اینکه کتاب "به روایت فلان....." انجیل نامگذاری شود را نه عیسی (ع) داده ونه وحی آسمانی دیگر. این نوشتار ها؛ متی، لوقا، مرقس و یوحنا هرگز به این نیت نوشته نه شده است که جای انجیل را بگیرد. بنابراین جمله اول فصل اول انجیل مرقس که ادعا نموده است نوشتارش انجیل عیسی (ع) است ادعائست بدور از حقیقت و باطل.

لازم به یاد آوریست که مسلمانان باید به اصل همه کتابهای آسمانی، و پیغمبران آن بدون فرق گذاشتن بین آنها، ایمان داشته باشند: صحف ابراهیم، تورات موسی، زبور داود، انجیل عیسی (علی نبینا وعلیهم السلام) و آخرین کتاب آسمانی قرآن کریم که بر محمد(صلی الله علیه وسلم) فرود آمده است. قرآن کریم در آیت سوم سوره آل عمران، به وضاحت میفرماید که تورات و انجیل را خداوند(ج) فرو فرستاده است. اگرچه ، به جز قرآن کریم که برای هدایت همه بشریت در هر مکان و زمانی که زیست نمایند فرستاده شده است، هیچ یک از آن کتابهای آسمانی سابقه به حالت اصلی و دست ناخورده باقی نمانده است.

علاوه بر دلائل وحجج فراوان دیگر، مبنی بر ضرورت نزول قرآن مجید جهت هدایت بشر، یکی هم اینست که مسیحیان را از عذاب خداوند بترساند تا از افتراء و اتهام اینکه : " الله برای خود فرزندی گرفته است " باز ایستند، قرآن میفرماید:

{ و(بخصوص از عذاب شدید او) بترساند کسانی را که میگویند: خداوند فرزندی را(بنام عیسی یا عزیر یا فرشتگان ، برای خود) برگرفته است.

نه ایشان ونه پدرانشان (چنین چیزی را از روی دانش نمیگویند و) از آن هیچگونه آگهی ندارند. چه سخن (وحشتناک و) بزرگی از دهانهایشان بیرون میآید!!(آیا خدا و فرزند داشتن؟! مگر خدا همچون انسان نیازمند چیزی از جمله فرزند است؟!). آنان جز دروغ و افتراء نمیگویند. (سوره کهف آیات 4 و 5)

مسلمانان با اخلاص کامل ایمان دارند که هرآنچه را عیسی (ع) تبلیغ نموده است از جانب پروردگار بوده؛ کتاب انجیل حامل مژدهء آمدن پیغمبر آخرزمان بوده و هدایات الهی را برای بنی اسرائیل به ارمغان آورده بود. ولی در هیچ آیه ای از چهار انجیل موجوده، روایت نشده است که عیسی (ع) یک حرفی از انجیل را نوشته ویا به کسی امر فرموده اند تا آنرا بنویسد. آنچه امروز بنام انجیل دست بدست میشود کار گروه سومی یا دستکاری بشر است [نه انجیل عیسی (ع)].

قرآن کریم درین زمینه میفرماید: {وای بر کسانی (از احبار) که کتاب را با دست خود مینویسند و آنگاه میگویند (به دیگران): این (توراتی است که) از جانب خدا آمده است تا به بهای کمی آن (تحریف شده ها) را بفروشند! وای بر آنان چه چیزهائی را بچنگ میآورند! (اینگونه نوشته ها و کارها، ایشان را به سوی هلاک و عذاب میکشاند)}. (سوره بقره 79)

قبل ازینکه این موضوع را بسته نمایم، میخواهم با شما چند ملاحظه ایرا که در US NEWS و WORLD REPORT در مقاله زیر عنوان "در جستجوی عیسی (ع)"، که بتاريخ 8 اپریل 1996 میلادی در صفحات 47 - 53 بچاپ رسیده است. در میان گزارم:

■ رابرت فنک (Robert Funk)، یکی از متخصصین مشهور کتاب مقدس مسیحیان، و 50 تن از دانشمندان مسیحی دیگر بعد از بحث و پژوهش علمی به این نتیجه رسیده اند که بیش از بیست درصد گفتارهای منسوب به عیسی (ع) و بیشتر کارهائیکه به اوشان نسبت شده است، افتراء بوده صحت ندارد. از انجمله:

دعای منسوب به عیسی (the Lord's Prayer)، گفتار عیسی از بالای صلیب، یا ادعای خدایی، ولادت معجزه آسا، و بسیاری از معجزه ها و حشر جسمانی اوست. (مصدر بالا صفحه 49)

■ جان مییر (John Meier)، پروفیسور دانشگاه کاتولیکی امریکا واقع واشنگتن دی سی، به این نتیجه میرسد:

- عیسی (ع) در سال 7 قبل از میلاد در ناصره (Nazareth) تولد شده نه در بیت لحم (Bethlehem) که انجیل لوقا ادعا دارد.

- باوجود تعلیمات رسمی کاتولیک در باره مریم، مادر عیسی (ع)، که تمامی زندگی اش را بدون ازدواج گزرانیده است، آقای ماییر ادعا دارد، انجیل مرقس و یوحنا و بسیاری نوشته های پولس میروساند که، عیسی (ع) چهار برادر و کم از کم دو خواهر، داشته است. به گفته آقای ماییر، پژوهش تاریخی ولادت معجزه آسای عیسی (ع) را "ثابت ویا رد نمیتواند".

- او در شهر گالیلی (Galilee) (شهر خیل امروزی) درسگاه کوچکی داشته که دران به حیث معلم، پیامبر و انسان نیکوکار مصروف کار و خدمت بوده است، که دیگران آنرا معجزه میپندارند. - او در اورشلیم (Jerusalem) توسط پونتیوس پیلاتی در سال 30 میلادی به صلیب آویخته شد. پیروانش ادعا کردند که وی بعد از مرگ برخاست. (ص 50)

■ جان کروسان (John Crossan) ، یکی از فعالین و تشنگان مدرنیسم، کشیش (اسقف) سابق رومان کاتولیک و پروفیسور دانشگاه شیکاگو، به این گمان است که دلائلی جمع آوری کرده است که اکثریت تعالیم قدیمی مسیحیت را باطل میسازد. آواز دو واقعه ای نام برده، یکی آخرین غذای شب، و دومی قیام عیسی (ع) بعد از کشته شدن [به عقیده مسیحیان] میباشد، و اضافه می نماید که تلاشهای پیروان عیسی (ع) این بوده است، تا ثابت سازند که عیسی (ع) بعد از مصلوب شدن نیز با ایشان در تماس همیشه گی بوده است. (لطفا به مبحث صلیب ص مراجعه کنید)

انجیل و بنی اسرائیل

بسیاری مسیحیان معتقد اند که پیام عیسی (ع) برای همه بشریت است (نه قبیله خاص بنی اسرائیل). حالانکه، هنگامیکه زن کنعانی نزد عیسی (ع) آمده خواهان معالجه دختر مریضش شد، عیسی در حالیکه طلب زن را رد کرد، فرمود: { ... خدا مرا فرستاده تا یهودیان را کمک کنم ، نه غیر یهودیان را، زیرا یهودیان گوسفندان گمشده خداوند هستند}. (انجیل متی 15: 24) همچنان در آیت 21 فصل یکم انجیل متی خطاب به یوسف نجار آمده است: { .. او پسری خواهد زائید، و تو نامش را عیسی خواهی نهاد، چون او قوم خود را از گناهانشان خواهد رها کند}. همچنان عیسی (ع) شاگردان دوازده گانه اش را امر نمود که: {عیسی ایشان را به ماموریت فرستاده، چنین گفت: " نزد غیر یهودیان و سامرائیان نروید، بلکه فقط نزد قوم اسرائیل ، که گوسفندان گمشده خدا هستند، بروید و به ایشان خبر دهید که خداوند ملکوت خود را برقرار میسازد}. (متی 10: 5-6)

از این به وضاحت معلوم میشود که عیسی (ع) و شاگردانش فقط برای مردم یهودی (بنی اسرائیل) فرستاده شده بودند، نه بسوی همه مردم دنیا؛ ازینرو آیت 16 اصحاح 3 انجیل یوحنا که میگوید: {زیرا خدا به قدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد}.

لفظ هر که جز به فرزندان اسرائیل (قوم بنی اسرائیل) به کس دیگری اشاره نمیکند. گفتار قابل ملاحظه دیگر عیسی (ع) اینست که در انجیل متی اصحاح 5، آیات 17-18 ذکر شده است:

{ گمان مبرید که آمده ام تورات موسی و نوشته های سایر انبیاء را منسوخ کنم. بلکه آمده ام تا آنها را تکمیل نمایم و انجام دهم. برآستی به شما میگویم که از میان احکام تورات، هر آنچه که باید عملی شود، یقیناً همه یک به یک عملی خواهد شد}.

در انجیل متی 8:4 آمده است که: {آنگاه عیسی به او فرمود: "بدون اینکه در باره شفایت با کسی گفتگو کنی، نزد کاهن برو تا تو را آزمایش کند. سپس هدیه ای را که شریعت موسی برای جذامی های شفا یافته تعیین کرده، تقدیم کن تا همه بدانند که شفا یافته ای}.

برخی از فرقه های مسیحی مخالف این آیت عمل میکنند، وادعا دارند که عهد عتیق منسوخ و عهد جدید جاگزین آن شده است. شما خوب میدانید، عیسی (ع) مانند برخی از مسیحیان، عهد عتیق را به دور نه افکنده بود.

درینجا برای مسیحیان امروزی، از دکشنری کتاب مقدس درباره فرامین ده گانه عهد عتیق، نقل قول مینمایم.

فرامین دهگانه به حیث رهنمای روزمره فرستاده شده است. آنها جزء پیمانیت بین پروردگار و مردمش (سفرخروج 34:28، سفر تثئیه 4:13 و 10:4)، این فرامین احیاناً بنام Decalogue، لفظ یونانی به معنای "احکام دهگانه" یاد شده است.

اگرچه این فرامین ده گانه را خداوند سه هزارسال قبل، درکوه سینا بواسطه موسی (ع) به مردمش فرستاد، ولی این فرامین امروز هم مناسب وقایل عمل کردن است. و دارای اهمیت دائمی میباشد؛ زیرا ذات خداوند تغیر ناپذیر بوده و این فرامین ازجانب خداوند آمده و از صفات ابدی اش سرچشمه گرفته است؛ فلذا ارزش معنوی آن تغیرپذیر نیست.

1300 سال بعد ازآنکه خداوند تورات را فرستاد، عیسی (ع) به آن التزام نشان داده آنرا "احکام" خوانده و پنج حکم آنرا به حاکم جوان و سرمایه دار فرستاد. (متی اصحاح 22-19:6) ودرخطبه ایکه بالای کوه سینا ایراد فرمود، عیسی (ع) اظهار داشت که بعثت وی فرامین تورات را منسوخ نکرده است. او از احکام قتل (متی اصحاح 5:21) و زناکاری (متی اصحاح 5:27) بطور خاص یاد آورشد.

عیسی (ع) با مطالبه خویش مبنی بر رعایت جانب روحی وقانونی احکام مذکور به این فرامین مقام عالی قائل شد.. با این عمل، عیسی (ع) بر تورات موسی (ع) مهر تصدیق ابدی نهاد:

{گمان مبرید که آمده ام تا تورات موسی ونوشته های سائرنبیاء را منسوخ کنم. بلکه آمده ام تا آنها را تکمیل نمایم وانجام دهم}. (متی اصحاح 5:17-19)

خداوند متعال از بالای کوه سینا، از بین شعله های آتش ودود، که تجلی قابل ملاحظه قدرت، عظمت وحاکمیت اوست، احکام تورات را بیان داشت. {وقتی خدا در کوه سینا گفتگوی خود را با موسی به پایان رسانید، آن دو لوح سنگی را که با انگشت خود ده فرمان را روی آن نوشته بود به موسی داد}. (سفرخروج 31:18) زیبایی خاصی که واقعه فرستادن فرامین دهگانه را فراگرفته، چندین باردر کتاب مقدس ذکر شده است، که دلالت به ویژگی این مناسبت مینماید.

(سفرخروج 19:16-19، تثئیه 4:11-12)

فرامین دهگانه به مثابه قلب میثاق ویژه ایست که در بین خدا و مردمش وجود دارد. خداوند به آنها گوشزد کرد که: ازین پس اگر شما فرمانبردار اوامر مرا و به پیمان وفادار بمانید، درانصورت شما نزد من از ارزش خاص برخوردار خواهید بود بالاتر از همه مردم ... وشما به من به مثابه ملکوت راهبان وملت مقدس خواهید بود. (سفرخروج 19:5) این آیات تاکید دارد براینکه فرمانبرداری آنها از فرامین دهگانه اساس تواجد آنها به حیث مردم خاص خدا بوده است.

خداوند هرگز نمیخواست که فرامین دهگانه، به حیث مجموعه قوانینی باشد که بواسطه آن مردم اسرائیل نجات حاصل نمایند. نعمت خداوند قبلاً مفت ارزانی شده بود! این امر به خوبی در رها کردن فرزندان اسرائیل از اسارت مصریها به مشاهده میرسد.(تثئیه 4:37).

ازینرو در قلب روابط میثاق نعمت الهی نهفته است. خداوند در مقدمه اوامر دهگانه به نعمت رهایی از بند اشاره کرده. (سفرخروج 2:20) امروز هم اوامر دهگانه مناسب وقایل عمل است. مردم جهان ضرورت مبهم دارند به اینکه نام صفات خداوند را در زندگی مسیحیانی مشاهده نمایند که هنوز هم کلام خدا را جدی تلقی مینمایند. این اوامر دهگانه همراه با تعلیم مسیح (ع)، هنوز هم بهترین رهنمای روزمره ایست که انسان آنرا میشناسد. [فقره های بالایی از دکشنری کتاب مقدس اخذ شده است. متأسفانه مسیحیان از اوامر دهگانه که خداوند به موسی (ع) وحی نموده بود کاملاً به دور اند. خصوصاً فرمان اول که بنی اسرائیل را به عبادت خدای واحد لاشریک امرمی نماید.]

لطفاً روایت زیر (رومیان 13:9-8) را مطالعه فرمائید:

{مرهون هیچ انسانی نباشید، مگر اینکه یکدیگر را دوست بدارید: زیرا هرکه دیگری را دوست بدارد در حقیقت به تورات عمل نموده است. ازینرو شما باید مرتکب زنا نشوید، مرتکب قتل نشوید، به ناحق شاهی ندهید، حسد نخورید؛ اگر کدام فرمان مهم دیگری باشد در گفتار ذیل خلاصه شده است که: شما همسایه خود را مانند خود دوست بدارید}.

درفقره فوق، پولس مسیحیان را از مکلفیت اصلی شان، که عبادت خداوند متعال با تمامی حواس بدن است، معاف کرده است، صرف با همین گفته اش که گویا بخاطر عمل کردن یک فرد به تورات، همین کافی است، که یکدیگر را مانند خود باید دوست داشت. درحالیکه عیسی (ع) وظیفه و مکلفیت اصلی و بسیار مهم را (که یکی از اولترین و مهمترین اوامر است) که عبادت خداوند واحد است از جمله اوامرواحکام دهگانه حذف نکرده بود؛ و امر دومی را که عبارت است از دوست داشتن همسایه، چنانچه در انجیل مرقس 12: 29-31 آمده است:

{عیسی جواب داد که: اولین و مهمترین فرامین اینست، گوش فرا دهید ای مردم اسرائیل، که: پروردگار، خدای ما یک است: و شما پروردگار تانرا با دل و جان، با ذهن و با تمام قوای خود دوست بدارید: این است فرمان اول. و فرمان دوم اینست، که همسایه تانرا مانند خود دوست بدارید. هیچ فرمانی بزرگتر ازین دو نیست}.

بعد از مطالعه (غلاطیان 5: 2) که میگوید: {آگاه باشید! من پولس به شما میگویم که اگر ختنه شدید مسیح به شما هیچ فائده ای نمی رساند}. پی بردم که پولس حکم ختنه کردن را که در تورات نیز موجود است، ازبین برده است. یک امر مسلم است که هردو پیامبر، عیسی (ع) و یحیا غسل دهنده (ع) ختنه شده بودند. این عمل پولس، منسوخ قرار دادن حکم ختنه، با تعالیم و رهنمائی دویغمبر بزرگ عیسی (ع) و ابراهیم (ع) متعارض و در تضاد است. زیرا مسلمانان و مسیحیان از اولاده ابراهیم (ع) بوده، و ختنه کردن را یک امر واجب و ضروری میدانند. درحقیقت ابراهیم (ع) نه یهودی بود و نه مسیحی، بلکه دین او، که باید پیروی شود، همانا عبادت خداوند واحد و لاشریک میباشد.

بادر نظر داشت (انجیل متی 5: 17-18)، اجازه دهید یک تعارض و تناقض دیگر را در عهد جدید خدمت شما معرفی نمایم. در انجیل مرقس 16: 15 ذکر شده است که عیسی (ع) فرمود:

{به همه دنیا بروید و انجیل را به همه مخلوق تبلیغ نمائید}.

آیت فوق با آیات متعدد انجیل متی 1: 21، 10: 5-6، 15: 24 و 28: 19 در تعارض است. آیت 19 اصحاح 28 انجیل متی چنین خوانده میشود:

" همه قبائل " (all nations) یا (all the nations)، که در حقیقت به دوازده قبیله بنی اسرائیل اشاره است. چنانچه عیسی (ع) گفته است: {... خدا مرا فرستاده است تا یهودیان را کمک کنم نه غیر یهودیان را، زیرا یهودیان گوسفندان گمشده خداوند اند}. (متی 15: 24)

عقیده تثلیث (خدایان سه گانه)

عقیده تثلیث، هیچ ارتباطی به تعالیم اصلی کتاب مقدس (تورات وانجیل) ندارد، زیرا لفظ تثلیث (Trinity) نه تنها اینکه در متن کتاب مقدس ذکر نشده است، بلکه در دکشنری کتاب مقدس نیز دیده نمیشود. این عقیده هرگز از طرف عیسی (ع) تعلیم و تبلیغ نشده است، و نه از آن نام برده است.

فرمول بندی عقیده تثلیث را آتناسیوس، یکتی از خدمت گاران کلیسا، که از شهر اسکندریه مصر بود، پیشنهاد شده است، و سه قرن بعد از عیسی (ع) مورد قبول مجمع نیسیا نیز قرار گرفت. مسائل دیگری که توسط مجمع نیسیا تصمیم گیری و تصویب شده است عبارت اند از: گردانیدن روز یکشنبه یونانی در عوض روز شنبه "سبت" (روز عبادت و رخصتی) مسیحیان، تعیین 25 دسامبر به حیث روز ولادت عیسی (ع) هدف سیاسی داشت تا باشد مسیحیان نیز در همان روز که بت پرستان از ولادت خدایان خود تجلیل می نمودند، جشن گیرند. مانند روز ولادت نمرود (پادشاه و خدای بابلیها)، کرشنا (خدای هندوها)، میترا (خدای رومیان و یونانیها) و دایونیسیوس (یا بکشوس یونانی) که بنام یگانه فرزند ولادت شده خدا جوپیتر، که از مادری بنام دیمیتربتاریخ 25 دسامبر زائیده شده است. کتاب مقدس، به وضاحت مساله دیکوروتزئین کردن درخت کرسمس را پیشبینی و منع نموده است:

{همانا خداوند گفت: میاموزید راه بی دینان را، و از نشانه های آسمان مأیوس م باشید؛ زیرا بیدینان از آنها مأیوس اند. بخاطر اینکه فرهنگ مردم بیهوده است: یکی درختی را از جنگل بشکنند، کار دست مرد کار به همراه تیشه. سپس آنها آترا با طلا و نقره دیکور مینمایند؛ آنها آترا با میخ و چکش بسته مینمایند تا اینکه از جایش حرکت ننماید}. (ارمیاہ اصحاح 10: 2-5)

مسیحیان از آیات زیر بخاطر اثبات عقیده تثلیث (سه خدائی) استدلال مینمایند: (انجیل متی اصحاح 28: 19، انجیل یوحنا اصحاح 14: 11، و اول یوحنا اصحاح 5: 7. عقیده تثلیث تنها از (اول یوحنا 5: 7) استنباط شده است. که میگوید: {در آسمانها سه ذاتیست که ریکارد اعمال را ثبت مینمایند، خدای پدر، کلمه (خدای پسر)، و روح القدس: و این سه یک اند}.

این آیت خیلی ها قبل به حیث تحریف شده و ساختگی، و ترجمه بیصلاحیت و نادرست متن یونانی عهد جدید، نشان دهی شده است. علمای کتاب مقدس بعدا دریافتند که عقیده تثلیث در ترجمه (King James version) اضافه و جا زده شده است. یک گروه سی و دو نفری متشکل از دانشمندان بزرگ مسیحی، به اساس مشوره بورد پنجاه نفری نمایندگان فرقه های مختلف مذهبی، در سال 1949 ترجمه تجدید نظر شده "عهد جدید"، و در سال 1952 ترجمه کامل "کتاب مقدس" را تقدیم نمودند، که درین ترجمه آیت مذکور حذف شده است.

در کتابهای "عهد جدید"، ملاحظه میشود که در جاهای مختلف به عیسی (ع)، بنام **بنده خداوند** اشاره شده است. (لطفاً به انجیل متی 12: 18 مراجعه شود). حالا فقره ذیل اعمال رسولان 2: 22 را مطالعه نمائید: {حال، ای مردان اسرائیلی! به من گوش دهید: همانطور که خود نیز میدانید، خدا بوسیله عیسی ناصری معجزات عجیب و غریبی ظاهر کرد تا به همه ثابت کند که عیسی از طرف او آمده است}. چگونه عیسی (ع) در زمان واحد هم بنده خدا و هم خدا شده میتواند؟ لطفاً آیت 17: 21 یوحنا را مطالعه نمایید: { برای تک تک ایشان دعا میکنم تا همه با هم یکدل و یکرأی باشند، همانطور که ای پدر، من و تو با هم یکی هستیم؛ تا همچنانکه تو در منی و من در تو ایشان نیز با ما یک باشند، تا ازین راه مردم جهان ایمان آورند که تو مرا فرستاده ای}.

با بررسی عقیده تثلیث، شما هم به این نتیجه خواهید رسید که: اگر خدای پدر، عیسی و روح القدس همه یک واحد تثلیث (سه خدایی) را میسازند، پس همراه با شاگردان دوازده گانه، باید واحد پانزده خدایی را بسازند. انجیل یوحنا 14: 9 ادعا دارد که عیسی (ع) خدا است: {کسیکه مرا دید در حقیقت (خدا) پدر را دیده است}.

الآن، (انجیل یوحنا اصحاح 4: 24) را بخوانید: { خداوند روح زندگی بخش است... } و همچنان یوحنا 5: 37 که میگوید: { نه آواز (آواز خدا) را شنیده اید، و نه شکل جسمش را دیده اید. } و (اول تیموتائوس 6: 16): { (خدا) ذاتیست که هیچ کسی او را ندیده و نه توانایی دیدنش را دارد... } و اخیراً در (سفر خروج 33: 20) بیان شده است که: {در حالیکه دید بشر درین دنیا تحمل نگرستن به عظمت الهی را ندارد، چگونه ممکن است، جسم گوشتی بشر تحمل پوشش عظمت الهی را داشته باشد؟} بناء کسی را که شاگردان دیده اند، به یقین که عیسی (ع)، پیامبر خدا بوده است، نه خدا (ج).

همچنان (انجیل یوحنا 5: 37) {خدایی که هرگز او را ندیده اید و صدایش را نه شنیده اید}. با آیت 17 اصحاح 3 انجیل متی متناقض است که میگوید: {خدا شنیده شد که میگفت: " این فرزند عزیز من است، که از او خوشنود هستم } . (متی 3: 17)

این هم واضح نیست، که کدام یک از ارواح زیر: شب مقدس، روح مقدس، روح حقیقت، روح خدا یا روح به طور عام، جز "عقیده تثلیث" را تشکیل میدهد. زیرا دکشنری نالسن کتاب مقدس، شب مقدس و روح مقدس را یک میدانند. و این با عقیده بعضی گروههای مسیحی تضاد دارد. اگرچه، آیات موجود است که کارهای گوناگون ارواح مختلف را نشان میدهد:

آیتهای کتاب مقدس	کارهای ارواح گوناگون
ملائکه در جواب به او (مریم) گفت: شب مقدس بر تو خواهد آمد. لوقا 1: 35	درینجا روح القدس به امر خداوند کار میکند.
تو نمیدانی که تو عبادتگاه خدا هستی، و روح خدا در تو زیست مینماید. قرنتیان 3: 16	روح خدا در یک انسان زندگی مینماید.

روح پاک که مردم دنیا بدان دسترسی ندارند.	این پشتیبان تسلی بخش همان روح پاک است که شما را با تمام حقائق آشنا خواهد کرد. مردم دنیا به او دسترسی ندارند. یوحنا 14:17
روح مقدس به آنهایی داده میشود که میخواستند او را مورد پرسش قرار دهند.	روح مقدس را به آنها دهید تا از او سؤال کنند. لوقا 11:13
تسلی بخشی (روح القدس) که باید بعد از عیسی به حیث فرستاده خدا بیاید.	اما من آن تسلی بخش را که روح خدا است ، به کمک شما خواهم فرستاد. او سرچشمه حقائق است و از طرف پدرم آمده، در باره من همه چیز را به شما خواهد گفت. (یوحنا 15:26)
روح مقدس موعود	به کسی که شما هم اعتماد کردید ، بعد از شنیدن کلمه حق، انجیل نجات تان : به کسی که بعدا ایمان آوردید شما با آن روح مقدس موعود پا بند شدید. (1) افسسیان (13)
روح بصورت عام ، قابلیت این را دارد که مزاحمت شود. مثلیکه در همه مثال های بالا دیده میشود.	عیسی جواب داد : " آنچه می گویم عین حقیقت است، تا کسی از آب وروح تولد نیابد، نمیتواند به ملکوت خدا وارد شود. "(یوحنا 3:5)
ملائکه (جبریل) بطور خاص ذکر شده است.	جبریل (ع) از جانب خدا به فرستاده شده بود. (لوقا 1:26)

قرآن کریم در باره عقیده تثلیث چه میگوید: 5:73

{بیگمان کسانی کافرند که میگویند: خداوند یکی از سه خداست! (در صورتی که) معبودی جز معبود یگانه وجود ندارد (و خدا یکی بیش نیست) و اگر از آنچه میگویند دست نکشند (واز معتقدات باطل خود برنگردند) به کافران آنان (که بر این اعتقاد باطل میمانند) عذاب دردناکی خواهد رسید}.

آیا این همان مطلبی نیست که در اولین حکم تورات (احکام ده گانه) موسی (ع) یاد شده است - خداوند را به یگانگی عبادت کردن- ، و عیسی (ع) نیامده بود که آنرا منسوخ گرداند؛ بلکه آنرا تکمیل و به انجام رساند؟ چنانچه آیات 46-47 اصحاح 5 انجیل یوحنا این مطلب را بیان میدارد: {شما حتی به موسی ایمان ندارید، اگر داشتید، به من نیز ایمان می آوردید، برای اینکه موسی در کتاب تورات در باره من نوشته شده است. و چون نوشته های او را قبول ندارید، به من نیز ایمان نمی آورید}.

عقیده تثلیث را نه موسی (ع) و نه عیسی (ع) آموزش یا تبلیغ کرده است! پس چرا مسیحیان به تثلیث عقیده دارند (در حالیکه ضد عقیده پیغمبران الهی است)؟

درینجا توجه خوانندگان را به مقاله ای که در شماره 25، سال 1997 مجله هفت روزه نیوز ویک تحت عنوان: "مریم را بخوانید" (Hail, Mary) به چاپ رسیده بود، جلب مینمایم:

■ معتقدان تثلیث، با تپ وتلاش روز افزون از پاپ واسقف های کلیسای رومان کاتولیک، مطالبه دارند که عقیده اختلافی دیگری را اعلان نماید اینکه:

مریم مادر عیسی (ع) هم نجات دهنده است. ازینرو چنان به نظر میرسد که به عوض عقیده تثلیث (سه خدایی)، یک عقیده چهار خدایی (تربیع) مطرح خواهد شد، که دران مریم (ع) چندین نقش مهمی را بازی مینماید: نقش دختر خدا، مادر فرزند خدا و خانم روح القدس.

عیسی به حیث خدای مسیحیان

به همه آشکار است که مسأله ألوهیت عیسی (ع) را پولس اختراع نموده است، (پولس یهودی یکی از دشمنان قسم خورده عیسی (ع) بوده و) هرگز خود او را ندیده است. عقیده الوهیت مسیح روی اجساد میلیون ها انسان بیگناه از پیروان واقعی عیسی (ع) که بدست پولس و طرفداران او به قتل رسیده اند بنا یافته است. که گفته مشهور کاستلو را به میان آورد: "کشتن انسان نمیتواند عقیده ای را ثابت کند." درحالیکه این عقیده غلط زیربحث گرفته میشود، باید دوآیت زیر را در نظر داشت:

{گمان مبرید که آمده ام تا تورات موسی ونوشته های سایرانبیاء را منسوخ کنم. بلکه آمده ام تا آنها را تکمیل نمایم وانجام دهم.} (انجیل متی 5: 17)

آیا عیسی (ع) خدا است؟ بعضی از مسیحیان خواهند گفت: بلی، وبه آیت اول باب اول انجیل یوحنا استدلال مینمایند. {در ازل پیش ازآنکه چیزی پدید آید، کلمه وجود داشت، ونزد خدا بود. او همواره زنده بود، وخود او خداست.} (یوحنا 1:1) باید آیت 37 اصحاح 5 انجیل یوحنا را به یاد داشت که میفرماید وقبل از گذشت: {... خدایی که هرگز او را ندیده اید وصدایش را نه شنیده اید.} فلهمذا استدلال به 1:1 یوحنا برای اثبات این عقیده که گویا عیسی (ع) خدا است، به این معناست که حد اقل دو خدا وجود دارد (یکی خدا ودیگرش عیسی). اجازه دهید چند آیات دیگری از متن کتاب مقدس در رد این عقیده، از سفر تثنیه 18:45، 11-10:43، 4:39، 6:4، Isaac اقتباس نمایم. زیرا آیات اصحاح 43:11-10 کتاب اسحق بیان مینماید که به جز خداوند برحق هیچ نجات دهنده ای وجود ندارد. و آیت 18:45 اسحق بر این نکته تأکید مینماید که تنها خداوند متعال خالق است نه کس دیگری، حتی عیسی (ع) نیزدر خلقت شریک او نیست. آیات دیگری که همانند قرآن دلالت به توحید خداوند دارد عبارت اند از:

سفر تثنیه 4:35، سفر خروج 8:10، دوم سموئیل 7:22، اول ملوک 8:23، اول تاریخ 17:20، کتاب زبور 86:8، 89:6 و 113:5، کتاب هوشع نبی 13:4 و کتاب زکریا 14:9

Deuteronomy 4:35, Exodus 8:10, II Samuel 7:22, I Kings 8:23, I Chronicles 17:20,

Psalms 86:8, 89:6 and 113:5, Hosea 13:4 and Zachariah 14:9

در عهد جدید عیسی (ع) بطور واضح گفته است که او نیامده است تا تورات را منسوخ نماید بلکه او در رابطه با یگانگی خداوند تأکید نموده است. در انجیل مرقس 12:29 میفرماید:

{عیسی جواب داد که: اولین و مهمترین فرامین اینست، گوش فرا دهید، ای مردم اسرائیل، که: پروردگار، خدای ما یک است.}

همچنان در رساله اول قرن تیان 8:4 مسأله وحدانیت خداوند تأکید شده است که: {... هیچ معبود برحق دیگری غیر از خدای واحد وجود ندارد}.

حالا بیایید باهم غور نمائیم، آیا آیت 1:1 انجیل یوحنا صحیح بوده و باقی همه آیات متعدد دیگر که به وحدانیت خداوند دلالت دارند غلط میباشد؟؟

به سادگی و آسانی از کتاب مقدس مسیحیان، چنین فهمیده میشود که عیسی (ع) خود همیشه فرمان اول فرامین دهگانه را به فرزندان بنی اسرائیل تعلیم و تبلیغ نموده است. (لطفاً به 12: 29-30 انجیل مرقس و 20: 2-5 سفر خروج مراجعه شود)، و نیز این مطلب به آسانی فهمیده میشود که بازگشت از گناهان و توبه نمودن یکی از شرایط حتمی برای سلطه الهی بوده است (انجیل متی 4: 17 و انجیل مرقس 1: 15) و اخیراً، انجیل متی اصحاح 19: 16-17، شرط اصلی داخل شدن به زندگی جاودانی را ایمان داشتن به وحدانیت الهی، براساس هدایات فرامین عشره، نشاندهی نموده میفرماید:

{ در همان روزها، شخصی نزد عیسی آمد و پرسید: استاد، من چه کار نیکی انجام دهم تا بتوانم زندگی جاودانی بدست آرم؟ عیسی گفت: چرا از من در باره کار نیک پرسی؟ غیر از خدا چه نیکویی میتواند وجود داشته باشد؟ ولی در جوابت باید بگویم که اگر احکام خدا را نگاه داری، زندگی جاوید خواهی یافت}.

روش دیگری که میتوان مفهوم اصلی آیت 1:1 انجیل یوحنا را درک و تصحیح کرد اینست که به آیت 45 سوره آل عمران قرآن کریم رجوع شود تا ببینیم درباره عیسی (ع) و "کلمه" چه میفرماید:

{ چون فرشته به مریم گفت که خدا ترا بکلمه ای که نامش مسیح (عیسی) پسر مریم است بشارت میدهد که او در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاه خداست}. (آل عمران 45)

آیت فوق و آیت 39 همین سوره، عیسی (ع) را بنام "کلمة الله" از جانب خداوند متعال، خوانده شده است. چنانچه اول قرن تیان 1: تصریح میدارد که: {... تواز مسیح و مسیح از جانب خدا است}.

و همچنان ممکن است آیت 1:1 انجیل یوحنا، چنین بوده باشد که: {... و کلمه از جانب خدا بود}. (ولی در اثر نقل و ترجمه آنرا تحریف نموده اند)

در کتاب مقدس آیات دیگری نیز موجود است که این مطلب را تایید مینماید. لطفا به آیات ذیل رجوع نمائید: انجیل یوحنا 5: 30-31 ، 8: 40 ، 12: 49 و 17: 3

این يك امر مسلم است که عیسی (ع) هیچگاه ادعای الوهیت ننموده است :
[من از خود هیچ کاری کرده نمیتوانم] (انجیل یوحنا 8: 18)، و در 14: 28 همین انجیل آمده است که: [پدرم از من بزرگتر است].

وهمچنان در انجیل مرقس 12: 29 میفرماید: [پروردگار ما خداوند، یکتا است].
و نیز در اصحاح 15: 34 انجیل مرقس عیسی (ع) میفرماید: [خداوندا! ای خدای من! مرا به که واگذار می نمائی؟] و در انجیل لوقا 23: 46 می آید که فرمودند: [پدر، به تو روحم را میسپارم].
نکته جالب دیگر اینست که انجیل لوقا در 4: 1-13 بیان میدارد که گویا عیسی (ع) توسط شیطان برای چهل روز پی در پی فریبانده شده است. حالانکه ترجمه King James 1:13 واضح میسازد: [... زیرا شیطان نمیتواند خدا را فریب دهد].

و نکته مهمتر اینکه، "عهد جدید" در اکثر جاها عیسی (ع) را بنام "بنده خدا" یاد میکند. بطور مثال اصحاح 12: 18 انجیل متی میگوید: [اینست بنده من که او را برگزیده ام].

پس چگونه عیسی (ع) از یکطرف بنده خدا و در عین حال خود خدا شده میتواند؟
قبل از اینکه به موضوع دیگر منتقل شوم ، اجازه دهید روی اصحاح 5: 16 انجیل لوقا باهم غورنمائیم. زمانیکه عیسی (ع) در خلوت دعا مینماید ، بسوی چه ذاتی دستانش را در حالت بیچارگی و تضرع بلند مینماید؟ آیا خود را به کمک می طلبد یا اینکه الله متعال را به کمک فرامیخواند؟

وهمچنان 11: 2-4 انجیل لوقا را بخوانید:

[عیسی (ع) به ایشان گفت: " هرگاه دعا مینمائید بگوئید: ای پدر ما که در آسمان هستی، پاک است نام تو، پادشاهی ملکوت تو رسید، مشیت تو همانطور که در آسمان نافذ است در زمین نیز نافذ است. نان روزمره ما را عطا فرما و گناهان ما را ببخشا؛ زیرا ما هم آنها را که کوتاهی دارند میبخشیم ، ما را در چنگ شیطان میفگن و ما را از شر نجات ده].

آیا در هیچ مقطع این دعا از عیسی (ع) طلب دعا و درخواست شده است؟ یا اینکه بنام او خواسته شده است؟

این دعا در جواب اینکه چگونه دعا نمائیم ، گفته شده است. هرآنچه که یک انسان خدا ترس نیازمند دعا است، که از خدا بخواهد درین دعا موجود است. مهمتر اینکه درین دعا طلب آمرزش گناهان شده است. و این دعا حاوی خوشخبری عیسی (ع) برای گناهکارانی است که راه توبه را درپیش میگیرند و به درگاه خدای متعال توبه می نمایند، است که گناهان شان بخشیده میشود. به گفته انجیل متی، این دعا، از گفته های عیسی (ع) است که در ابتدای رسالتش فرموده است:

{عیسی ازان روز به بعد به اعلام پیغام خدا پرداخت و میگفت: از گناهان خود توبه نمائید و بسوی خدا بازگشت نمائید؛ زیرا ملکوت خدا نزدیک شده است} (انجیل متی اصحاح 4: 17)

عیسی (ع) همچنان پیشگوئی نموده است که مردم اورا بیهوده عبادت خواهند کرد و به رسوم بشری به جای احکام الهی ایمان می آورند:

{عبادت آنان باطل است؛ زیرا رسوم بشری را به جای احکام الهی به مردم تعلیم میدهند} (انجیل متی 15: 9)

آیه فوق در باره مسیحیان صحبت مینماید؛ زیرا غیر از آنها کسی دیگر عیسی را پرستش نمی کند. پرستش عیسی (ع) مخالفت صریح با آیات سفر خروج 20: 3-6 ، انجیل متی 4: 10 و انجیل لوقا 4: 8 میباشد. که میفرماید:

{تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد. هیچگونه بتی بشکل حیوان یا پرنده ماهی درست نکن. در برابر آنها زانو زن و آنها را پرستش نکن. زیرا من خداوند، که خدای تو میباشم ، خدای غیوری میباشم و کسی را که با من دشمنی کند مجازات میکنم. این مجازات، شامل حال فرزندان آنها تا نسل سوم و چهارم نیز میشود. اما برکسانی که مرا دوست داشته باشند و دستورات مرا پیروی کنند، تا هزار پشت رحمت کنم} (سفر خروج 20: 3-6)

{عیسی به او گفت : دور شو ای شیطان ! کتاب مقدس میفرماید : فقط خدا را پرست و تنها از وی اطاعت کن} (انجیل متی 4: 10)

عیسی و فرزندى خدا

آیا عیسی (ع) فرزند خدا است؟ اصحاح 3: 17 انجیل متی، که قبلا ذکر شده است، توسط یکعدهء از مسیحیان به حیث دلیل فرزند خدا بودن عیسی استفاده شده است. که میگوید: {آنگاه ندائی از آسمان در رسید که "این فرزند عزیز من است که ازو خوشنودم"} . اگر ازین آیت فرزند خدا بودن عیسی (ع) ثابت میشود، پس باید هیچ آیت دیگری در عهد عتیق و عهد جدید نباشد که دران کسی ویا کسانی فرزند خدا خوانده شده باشند. برخلاف توقع در کتاب مقدس ، نمونه های زیادی دیده میشود که لقب فرزندى خدا را به کسان دیگری غیر از عیسی (ع) نیز داده است. مثلا در سفر خروج 4: 22 میخوانیم که: {اسرائیل فرزند من است، نه تنها فرزند بلکه فرزند اولی (اول باری) ام است}.

در دوم صموئیل اصحاح 7 آیت 14 و همچنان در کتاب تواریخ 22: 10 (Chronicles) به سلیمان (ع) اشاره شده میگوید: {...و او فرزند من است}.

در سفر ارمیا 31: 9 و کتاب زبور 7: 2 چنین میخوانیم: {... و عفریم Ephraim فرزند بزرگ (و اول باری) ام است}.

معنای لفظ "فرزند" باید حرفی گرفته نشود ؛ زیرا خداوند بسیاری از بنده گان نیکویش را بنام فرزند و فرزندان خطاب مینماید. یهودان هم ادعای مینمایند که عزیر (ع) فرزند خدا است. لفظ

فرزند ترجمه لفظ یونانی پیاس (pias) و پیدا (piada) به معنای بنده میباشد و از "کتاب عهد جدید" یونانی ترجمه شده است، ولی این لفظ را، بعضی از ترجمه های زبان انگلیسی در جاییکه به عیسی (ع) اشاره شده است عمداً به معنای فرزند، و اگر اشاره به دیگران بوده باشد به بنده ترجمه نموده اند. علاوه برین، لفظ "پدر" را که عیسی (ع) استعمال نموده است از لحاظ استعمال ومعنی خیلی نزدیکتر به لفظ "رب" به معنای پروردگار است. یعنی کسی که پرورش میدهد و روزی دهنده است. بناء در اصطلاح عیسی (ع) "خدا پدر است" یعنی اینکه او پروردگار و روزی دهنده همه انسانها است. [این در صورتیکه فرض شود این لفظ را عیسی (ع) بکار برده است که بعید به نظر میرسد.] در "عهد جدید" بکاربرد اصطلاح "فرزند خدا" مجازی است: { زیرا همه آنهائیکه توسط روح الهی هدایت شده اند، فرزندان خدا اند. } (رساله رومیان 8: 14) این اصطلاح مجازی را جمله دیگرکه عیسی (ع) یگانه فرزند مولود خدا خوانده شده است، بیشتر تاکید مینماید.

در کتاب زبور 2: 7، پروردگار به داود (ع) میفرماید: { ... تو فرزند من هستی، ترا من امروز به دنیا آورده ام. }

آیا آیت فوق این معنا را افاده مینماید که خداوند دو فرزند دارد؟ عیسی (ع) هم گفته است که خدا تنها پدر او نه بلکه پدر همه است. (انجیل متی 5: 45-46) انجیل لوقا 3: 38 میگوید: { ... شیت پسر آدم بود، و آدم از خدا بود. }

در رساله عبرانیان 3: 7 چه کسی شبیه "فرزند خدا" خوانده شده است؟ جواب اینست که پادشاه شهر سالیم (Salem) شخصی بنام ملک صادق (Melchisedec)، آنچنانکه در رساله عبرانیان 7: 1 آمده است از عیسی و آدم هم خاصتر بوده و شبیه فرزند خدا است. پس چرا او را بنام فرزند خدا نمی نامند؟ علاوه بر آنچه ذکر شد، آدم (ع) نه مادر و نه پدری داشت، و اولین انسانیکه خداوند او را آفرید، هم در بهشت وهم در زمین زندگی بسر برده است، آیا این مزایای بیشتر او را مستحقتر لقب فرزندی خدا نمیسازد؟

درینجا میخواهم، تعارضات آشکار و روشنی را که در بین آیات انجیل یوحنا 3: 16، انجیل لوقا 10: 25-28 و انجیل متی 19: 16-17 وجود دارد، به عرض خواننده گرامی برسانم.

انجیل یوحنا اصحاب 3: 16 میگوید: { خدا مردم دنیا را چنان دوست میداشت که یگانه فرزند مولود خود را فرستاد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردیده بلکه زندگی جاودانی یابد. }

حالا بیایید آیات 25-28 اصحاب 10 انجیل لوقا را بخوانیم:

{ روزی یکی از علمای دین که میخواست اعتقادات عیسی را امتحان کند ازو پرسید: "استاد، انسان چه باید بکند تا حیات جاودانی بدست بیاورد؟" عیسی به او گفت: "در کتاب تورات، درین باره چه نوشته شده است؟" جواب داد: "نوشته شده است که خداوند، خدای خود را با تمام دل، تمام جان و تمام قوت و با تمام فکر دوست بدار. و همسایه ات را نیز دوست بدار، همانقدر که خود را دوست میداری! }

عیسی فرمود: { بسیار خوب ، تونیز چنین کن تا حیات جاودانی داشته باشی }.

این آیات می‌رساند که رسیدن به زندگی جاودانی، به همه کسانی که به یک خدای واحد ایمان داشته و جز او کسی دیگری را عبادت نکنند، میسر است. آیات 25-28 اصحاح 10 انجیل لوقا با آیات 16-17 اصحاح 19 انجیل متی با هم توافق دارند که: { در همان روزها شخصی نزد عیسی آمد و پرسید: "استاد، من چه کار نیکی را انجام دهم که بتوانم زندگی جاودانی را بدست آورم؟" عیسی گفت: چرا از من در باره کار نیک می‌پرسی؟ غیر از خدا چه نیکوئی می‌تواند وجود داشته باشد؟ ولی در جوابت بگویم که اگر احکام خدا را نگاه داری، زندگی جاودانی خواهی یافت }.

لازم به یادآوریست اینکه در کتاب مقدس هیچ فرمانی وجود ندارد که عیسی (ع) عبادت و پرستش شود ، و تنها فرمانی که موجود است اینست که خدای واحد را به یگانگی عبادت نمائید.

در اصحاح 4، آیت 41 انجیل لوقا چنین می‌خوانیم [روح های پلید نیز به فرمان عیسی، فریاد کنان از جسم دیوانگان بیرون می آمدند و میگفتند: تو فرزند خدا هستی! " اما او ارواح پلید را ساکت میکرد و نمیگذاشت چیزی بگویند، چون میدانستند که او مسیح موعود است.] عیسی (ع) به ارواح پلید اجازه نداد که او را فرزند خدا خوانند. آیا گمان میکنید که عیسی (ع) ارواح پلید و یا هرکس دیگری را به خاطر گفتن حقیقت مورد عتاب قرار میدهد؟ هرگز نه! عیسی آنها را ازین جهت ساکت کرد، که آنها با صدا زدن نام "فرزند خدا" مطلب غلط دیگری داشتند. و همچنان، اگر ارواح پلید میدانستند که عیسی (ع) مسیح موعود است، برای عیسی (ع) که آنها را بخاطر صدا زدن مسیح ساکت سازد، مخالف وظیفه اش بود.

در انجیل لوقا 9: 20-21 عیسی (ع) از شاگردانش می‌پرسد:

{ آنگاه ازیشان پرسید: " شما چه؟ شما مرا که میدانید؟ " پطرس در جواب گفت: " تومسیح موعود هستی! " اما عیسی ایشان را اکیدا منع کرد که این موضوع را با کسی در میان نگذارند. }

علاوه برین، آیاتی چون 3: 2، 6: 14، و 7: 40 انجیل یوحنا، 21: 11 انجیل متی و 7: 16 و 24: 19 انجیل لوقا تاکید براین دارد که عیسی (ع) لقب معلم و رسول را قبول کرده ، و در آیات 8: 20 ، 12: 40 ، 17: 9 و 12: 24-26 انجیل متی، و آیات 9: 26، 22: 48، 22: 69 و 24: 7 انجیل لوقا خود را پسر انسان خوانده است.

قاطع ترین آیتی که عیسی (ع) را پسر (و خدمتگار) انسان مینامد، 14: 62 انجیل مرقس است، که دران عیسی (ع) جایگاه خود را در روز قیامت و حسابدهی ترسیم مینماید. عیسی (ع) به وضاحت میفرماید، که شما خواهید دید که **پسر انسان** نه پسر خدا ، به سمت راست قدرت الهی نشسته، و بر ابرهای آسمان به زمین بازمیگردم.

تولد شدن که یک عمل جسمی و فیزیکی میباشد، مخالف طبعیت خدائی است. قرآن کریم در سوره 19 آیت 35 میفرماید: { سزاوار خداوند نیست که فرزندی داشته باشد. او منزّه (از اتخاذ و انتخاب فرزند، و بدور از اینگونه عیبه و نقصها) است. هرگاه اراده پدید آوردن چیزی و انجام کاری

کند، تنها کافی است راجع بدان بگویند: بشو! و میشود. (پس چنین قادر متعال هرگز نیازی به فرزند ندارد).

عقیده "عیسی پسر خدا"، نه توسط عیسی (ع) تبلیغ شده و نه قابل قبول وی بوده است، بلکه این عقیده را پولس رائج نموده است. چنانچه در رساله اعمال رسولان 9: 20 آمده است:

{او (پولس) مستقیماً مسیح را به حیث پسر خدا در معابد یهودی تبلیغ کرد}.

سوال اینجاست، آیا هرگز عیسی (ع) ادعای خدائی نموده است که بگوید: اینجا بیائید، من خدای شما هستم، پس مرا عبادت نمائید؟ جواب منفی است زیرا در هیچ آیتی از آیات کتاب مقدس، چنین امری دیده نمیشود، که عیسی (ع) صریحاً اعلان نموده باشد که، "من خدا هستم، بناء مرا پرستش نمائید". تمام بیش از دو هزار بیت رساله های پولس اکاذیب خود بافته او بوده که شامل 9: 5 رساله رومیان میشود که میگوید: {...مسیح آمد، که روی همرفته، خدای ابدی مبارک است}.

مسیحیان اینرا باید خوب بدانند که پولس در رساله رومیان، دروغها و افتراءات خود بافته اش را تبلیغ میکند نه انجیل عیسی (ع) را، او خود میگوید: {مسلماً آنروز خواهد آمد که عیسی مسیح به حکم خدا، اسرار وانگیزه های درونی همه را مورد داوری قرار دهد. همه اینها، بخش از نقشه عظیم خداست که من اعلام میکنم}. (رساله رومیان 2: 16)

در حقیقت، رساله های پولس به رومیان، اساس مسیحیت امروزی را تشکیل میدهد. ازینرو، این مسیحیان است که تمام تلاشهای آنها درین دنیا بیهوده صرف میشود، زیرا آنان گمان دارند که با نسبت دادن شرک به الله آنها کار خوبی انجام میدهند. قرآن کریم در سوره 18 آیات 103-106 میفرماید:

{ای پیغمبر! به کافران (بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه سازم؟ آنان کسانی اند که تلاش و تکاپویشان (به سبب تباهی عقیده و باورشان) در زندگی دنیا هدر میرود (و بیسود میشود) و خود گمان میبرند که به بهترین وجه کارنیک میکنند (و طاعت و عبادت شرک آلود شان موجب رستگاریشان میشود). آنان کسانی اند که به آیات (قرآنی و دلائل قدرت) پروردگارشان و ملاقات او (در آخرت، برای حساب و کتاب) بی باور و کافرنند، و در نتیجه اعمالشان باطل و هدر میرود، و در روز رستاخیز ارزشی برای ایشان قائل نمیشویم (و قدر و منزلتی در پیشگاه ما نخواهند داشت)}.

(حال واحوال ایشان) همانگونه است (که بیان کردیم)، و به سبب کفر و زیدنش و به خاطر مسخره کردن آیات و پیغمبرانم توسط ایشان، سزای آنان دوزخ است}.

یقیناً، چه عجیب و مسخره آمیز است، دانستن این حقیقت که رساله های پولس به رومیان، بیش از 430 بیت آن هرگز توسط عیسی (ع) فورمول بندی ویا گفته نشده است. پولس اگر در ادعای الهام شدن پیام رسانی مسیح صادق میبود، باید در رساله هایش به رومیان مستقیماً به تعالیم اصلی عیسی (ع) اشاره میکرد، در حالیکه، اکثریت اقتباسات وی

(بخصوص در رساله رومیان) از اسفار عهد عتیق کتاب مقدس میباشد، مانند: سفر تکوین، سفر خروج، سفر لاویان، سفر تثئیه، دوم سموئیل، اول ملوک، کتاب زبور، ضرب المثل ها، سفر اشعیا، سفر حزقیال و کتاب هوشع. اگرچه رساله های پولس کار طاقت فرسا بوده است. ولی این امر از پولس نه انسان بهتر از دیگر نویسندگان کتاب مقدس میسازد و نه ویرا پیغمبری میدهد.

رسوم مذهبی و کارهای دیگری که توسط پولس داخل مسیحیت شده است عبارت اند از: رخصتی قرار دادن روز یکشنبه به جای روز شنبه یا سبت؛ اتخاذ روز ولادت خدای خورشید به حیث روز میلاد مسیح، قرار دادن نشان خدای خورشید (چراغ صلیب) به حیث نشان مسیحیت؛ و اندماج و تجلیل از تمامی رسم و رواج هاییکه در ایام عید میلاد خدای یونانی ها صورت میپذیرفت در عید میلاد مسیح (ع).

در اختتام مبحث میخوام خوانندگان مسیحی ام را دعوت به مباحثه نمایم که با اخلاص تام در برابر خداوند متعال سرخم نموده از وی با دعای صادقانه بخواهند که اگر آنچه در باره عیسی (ع) عقیده دارند (که عیسی خدا، فرزند خدا .. و یا یکی از سه خدا) (اقلیم سه گانه) است) غلط باشد، خداوند برخورد دعا کننده، خانمش، پسران و دخترانش لعنت و عذاب بفرستد. همین قسم، میدانم که اگر یک مسلمان را به مباحثه طلب نمائی که صادقانه از خداوند متعال با تضرع بخواهد که اگر عقیده وی در باره عیسی (ع) (که وی بنده خدا، فرستاده او تعالی و کلمه از جانب اوست) غلط باشد، خداوند برخورد دعا کننده، خانم او، پسران و دختران او لعنت و عذاب بفرستد، مسلمان به پیشانی باز مباحثه را قبول نموده عملی مینماید. مسلمانان عقیده راسخ دارند که عیسی علیه السلام خدا نبوده، نه فرزند خدا میباشد و نه بخش از عقیده تثلیث است. این مباحثه یا بد دعا کردن اگرچه ظاهراً خشن و ظالمانه به نظر میرسد، ولی دو نکته مهم را ثابت میسازد:

1- حق ثابت گردیده اگر در راه غلط روان باشید، به آن متوجه خواهید شد.

2- اینکه، ترا به راه راست روان مینماید.

صلیب کردن و کفاره گناهان

یکی از مهمترین ارکان عقیده مسیحیت ارتباط دادن صلیب کردن مسیح و جبران گناهان است. [مسیحیان را عقیده بر آنست که خدا همه انسانها را گناه کار آفریده است. و هر انسان مسؤل گناه آدم و حوا در بهشت بوده است. خدا برای اینکه گناهان بندگان را بیامرزد یگانه پسر خود مسیح را برای قربانی فرستاد]. مترجم

بطلان این عقیده فاسد و ارتباط آن را به عقیده وضعی پولس، در اقتباس دکتور بلال فلیپ از کتاب "توبه راه نجات" (Salvation through Repentance) صفحه 15-17 به وضاحت مشاهده مینمائیم:

توبه و برگشت از گناهان در کتاب "عهد عتیق" یک رسم سالانه بود، که بخاطر پاک کردن معبد، رجال دین و مردم از گناهانشان و تجدید پیمان و ارتباط آنها با خدا (ج) طرح ریزی شده بود. این رسم مذهبی شامل روزه گرفتن و قربانی دادن بود. این مراسم در مذهب یهود همچنان ادامه دارد، که بر اعتراف به گناه و برگشت از آن در (Yom Kippur) روز کیپور که در نزد یهودان از مقدس ترین روزهای سال است، تأکید شده است.

به خاطر توجیه زیف عقیده حلول خداوند در عیسی (ع) و مرگ ظاهری وی در بالای صلیب، پولس به گلاشیان و رومیان نوشت که توبه کردن به گفته تورات مقتضی اطاعت مطلق است که از طاقت انسان بالا می باشد. او در عوض پیشنهاد کرد که مرگ مسیح در بالای صلیب نیروی نجات دهنده دارد که میتوان گناهان آن عده کسانی را که به عیسی ایمان داشته اند کفاره نماید.

عقیده پولس مبنی بر اینکه گناه اصلی انسان او را از رسیدن به خدا باز میدارد، و تنها از راه ایمان به مرگ فداکارانه مسیح (ع) (که خدا یگانه فرزند خود را به خاطر نجات انسان قربانی نمود) میتواند به خدا وصل شود. این عقیده را اسقف شهر "لیون" که ارنائوس نام داشت و در سالهای 125 الی 202 میلادی زیست داشت، بیشتر انکشاف داده و آنرا اساس اولین اعتقاد کاتولیکی قرار داد. بعدها دانشمند مسیحی دیگری بنام آگستین (334-430 م) که از شهر هیپو بود، اصول اعتقادی سقوط وافتیدن (از نظر رحمت الهی)، گناهکار متولد شدن واصل قضای جبری را انکشاف داد. وی برین عقیده بود که هر انسان لکه گناه آدم (ع) را به ارث برده (در اصل گناهکار متولد شده است)، و خداوند یک عده از انسانها را بدون کدام دلیل بهشتی و باقی را بدون جرمی دوزخی ساخته است. به عقیده او گرچه، انسان فطرتاً شریر و گناهکار متولد شده است، و تنها عیسی (ع) که خود را بخاطر کفاره گناهان انسان قربانی نموده است، (به گفته آنسلین قدیس) میتواند رضای کامل خدا را بدست آورد که انسان را به خاطر گناه و نافرمانی وی علیه خدا، عذاب ننماید. آگستین اضافه مینماید که پاکسازی از گناهان ذریعه رحمت الهی صورت گرفته ولی ریزش گناهان از راه التزام مراسم مذهبی مسیحیت [مانند مراسم تعمید، اعتراف نزد کشیش.. و غیره] صورت میپذیرد. توماس اکویناس قدیس قرون وسطائی (1225-1274 م)، که از دانشمندان پیشتاز مسیحیت بود، هم به نظریات آگستین که در آن وقت در بین مسیحیان مانند اصول اعتقادی تغییرناپذیر گشته بود، صحنه گذاشت.

قبل از اینکه به تناقضات و ضدونقیض گوئی بیش از حد کتاب مقدس، پیرامون صلیب بپردازیم، لازم به تذکر است که انجیل خود بافته پولس به مسأله صلیب کردن و حشر عیسی (ع) اعتراف کرده است. رساله دوم تیموتائوس 2: 8 میگوید:

{هیچگاه این حقیقت را از یاد نبرید که عیسی مسیح از لحاظ جسمانی از نسل داود بدنیا آمد، پس از مرگ بار دیگر زنده شد بعد از مرگ حشر شد. این همان پیغام انجیل است که من اعلام میدارم. (به گفته انجیل خودم (پولس)).}

علاوه برین، آیت قیام بعد از مرگ عیسی (ع) از انجیل مرقس 16: 9-20 توسط انجیل نویسان از نسخه سال 1952 م حذف شده بود، ولی بدون کدام دلیل ذکر شده در نسخه سال 1971 م دوباره اضافه شد. این آیات در اکثر کتابهای مقدس، اگر حذف نه شده باشد، کم از کم یا در بین دوقوس گرفته شده و یا به خط کوچکتري به چاپ رسیده، و یا اینکه روی آن تعلیق نوشته شده است. (لطفاً به نسخه های ذیل مراجعه شود: ترجمه ستاندارد تجدید نظر شده (the Revised Standard Version)، کتاب مقدس جدید امریکائی (New American Bible) و ترجمه جهان جدید کتابهای مقدس (New World Translation of the Holy Scriptures)).

روایت قدیمی کتاب مقدس در باره صلیب شدن عیسی (ع) اینست که بعد از دستگیری به اساس توطئه بزرگان ورئیس احبار یهود، به صلیب کشیده شد. این روایت در سالهای 1960 م توسط بلند ترین مقام کلیسای کاتولیک جهان، پاپ، رد شد. او در بیانیه صادره خود اظهار داشت که گویا یهود در صلیب شدن مسیح (ع) هیچ دخلی نداشته اند. آیا هیچ یک از حواریون، شاگردان عیسی (ع)، و یا راویان و نویسندگان انجیل (Gospel) واقعه صلیب شدن و حشر و قیام بعد از مرگ عیسی (ع) را به چشم خود مشاهده نموده اند؟ خیر! جواب منفی است.

در انجیل مرقس 14: 50، چنین روایت شده است که شاگردان عیسی (ع) را ترک نموده فرار کردند. حتی پطرس نیز بعد از آنکه خروس سه بار بانگ سرداد، همان قسمیکه عیسی (ع) پیش بینی کرده بود، او را ترک گفت.

{پطرس اینبار شروع کرد به لعنت کردن و قسم خوردن و گفت: "من اصلاً این مرد را نمی شناسم." درست در همین هنگام خروس بانگ زد، و پطرس گفته عیسی (ع) را به خاطر آورد که گفته بود: "پیش از اینکه خروس بخواند تو سه بار مرا انکار خواهی کرد." پس بیرون رفت و زار گریست. (انجیل متی 26: 74-75)}

یگانه کسانی که امکان آن می رود که عیسی (ع) را درین حالت دیده باشند، عبارت اند از: مریم مجدلیه، ماریا مادر جیمس و یوسف و مادر فرزندان زبیدی و زنان دیگر است (مصدر سابق 27: 55-56). حالانکه در کتاب مقدس ازینها در باره اینکه چه دیده و شنیده اند، هیچ روایتی نشده است.

شاگردان مقبره ای را که در آن گویا جسد عیسی (ع) نگهداری شده بود خالی یافتند، و به این نتیجه رسیدند که او دوباره زنده شده؛ زیرا هم شاگردان و هم شاهدان عینی دیگری او را

بعد از حادثه تصلیب زنده مشاهده کرده بودند. هیچ کسی شاهد لحظات دوباره زنده شدن هم نبوده است. عیسی (ع) خود در انجیل لوقا 24: 36-41 بیان داشته است که وی بر بالای صلیب نمرده است. چنانچه در پاراگراف ذیل آمده است:

{صبح وقت روز یکشنبه مریم مجدلیه به مقبره رفت که خالی بود. او شخصی را که به باغبان شبیه بود دید. مریم بعد از صحبت با او شناخت که عیسی (ع) است و خواست او را لمس نماید. عیسی فرمود: "به من دست زن! چون هنوز نزد پدرم (به آسمانها) بالا نه رفته ام}.

حالا 24: 36-41 انجیل لوقا را مطالعه کنیم:

{ در همان حال که گرم گفتگو بودند، ناگهان عیسی در میانشان ایستاد و سلام کرد. اما همه وحشت کردند، چون تصور کردند که روح میبینند!

عیسی فرمود: "چرا وحشت کرده اید؟ چرا شک دارید و نمیخواهید باور کنید که خودم هستم! به جای میخها در دستها و پاهایم نگاه کنید! می بینید که واقعا خودم هستم! به من دست زنید تا خاطر جمع شوید که من روح نیستم! چون روح بدن ندارد، اما همینطور که می بینید من دارم!" در همان حال که سخن میگفت، دستها و پاهای خود را به ایشان نشان داد. آنان شاد و حیرت زده بودند و نمیتوانستند آنچه را که میدیدند، باور کنند!

عیسی از ایشان پرسید: "آیا درینجا چیزی برای خوردن دارید؟" آنها مقدار ماهی پخته به او دادند، او نیز در برابر چشمان شگفت زده ایشان، آن را خورد!.

آیا مرده ویا روح ضرورت به خوردن دارد؟ خوردن غذا در برابر چشمان حیرت زده شاگردان به این منظور بود تا عیسی (ع) ثابت نماید که وی هنوز نمرده ، بلکه جسم زنده است نه روح که به غذا ضرورت ندارد.

زنده بودن عیسی (ع) در پیشگویی خودش در انجیل متی 12: 40 تأیید شده است: {... زیرا همان قسم که یونس (ع) سه شبانه روز در شکم آن ماهی بزرگ ماند، من نیز سه شبانه روز در دل زمین خواهم ماند}.

آیا عیسی (ع) معجزه اش را به انجام رسانید؟ مسیحیان خواهند بگویند که بلی! انجام داد. زیرا عیسی مرد و بعد از سه روز دوباره قیام کرد. مطابق روایت انجیل لوقا 24: 26 و انجیل متی 20: 19، حالانکه ، همانند معجزه یونس (ع) و به روایت کتاب مقدس، عیسی (ع) صرف دو شب و یک روز را در مقبره سپری نمود، نه سه شبانه روز همان طوریکه خودش پیش بینی نموده بود.

عیسی در مغاره مقبره، قبل از آفتاب نشست روز جمعه (Good Friday) گذاشته شده بود ، و قبل از طلوع آفتاب روز یکشنبه (Easter) از مغاره گم شده بود. اگر چوکات وقت را نیز درازتر نماییم شاید به مشکل بتوان قبول کرد که عیسی (ع) سه روز را در شکم زمین گذرانیده است ولی هرگز قبول نخواهد شد که عیسی (ع) سه شب را در شکم زمین گذرانیده است.

باید فراموش نشود که انجیل به وضاحت بیان میدارد که روز یکشنبه قبل از طلوع آفتاب، مریم مجدلیه به مقبره رفت و مغاره مقبره را خالی یافت.

در نتیجه، تناقضات ضد و نقیض گوئی های که در بین روایات موجود است، معلوم نیست که آیا عیسی (ع) پیشگوئی خود را به انجام رسانیده است یا خیر؟ آیا واقعا او به صلیب کشیده شده است یا اینکه روز منسوب به تصلیب (Good Friday) حقیقت ندارد؟ نکته مهم وقابل یادآوری دیگر اینست که یونس(ع) در بطن ماهی زنده بوده نه مرده. مسیحیان ادعا دارند که عیسی (ع) در بطن زمین ویا مقبره مرده بوده است حالانکه این ادعا مخالف پیش گوئی خود عیسی (ع) است که در انجیل لوقا 11: 30 ذکر است:

{آنچنانکه علامت یونس بود ... همان گونه علامت فرزند انسان خواهد بود}.

بنابراین، اگر یونس (ع) زنده بود، عیسی (ع) هم چنان بوده است. یک حادثه مهمی که قبل از صلیب شدن مزعوم ثبت است، دعای عیسی(ع) که از خدای متعال کمک میطلبید که: {ای پدر، اگر خواست توست، این جام مرگ را از مقابل من بردار، اما درین مورد نیز میخواهم اراده تو انجام شود، نه خواست من}. انجیل لوقا 22: 42

به اساس روایت انجیل لوقا 22: 43 ورساله عبرانیان 5: 7 دعای عیسی (ع) که در بالای صلیب نمیرد، از طرف خدا (ج) مستجاب شد. بناء گفته میتوانیم که اگر همه دعا های عیسی(ع) بشمول دعای فوق که در بالای صلیب نمیرد، قبول شده است، چگونه ممکن خواهد بود که در بالای صلیب جان داده باشد؟. به روایت انجیل متی 27: 46، عیسی (ع) در بالای صلیب دعا میکرد که: {الهی، الهی، برای که مرا واگذار خواهی کرد؟} {ایلی ایلی لما شبقتنی؟} اگر عیسی این حرفها را به زبان آورده باشد، به اجماع همه علمای الهیات اعلان کفرنموده است. چنین کلمات استهزا آمیز و مسخره گر، تنها از زبان یک انسان بی ایمان و کافر بیرون شده میتواند وبس.

علاوه براین، باور نکردنیست که چنین الفاظ کفر آمیز از یک پیغمبر خدا صادر شده باشد، زیرا خدا(ج) هرگز وعده شکنی ننموده، و پیغمبران او هیچگاه بر علیه وعده او اعتراض و شکایت نداشته اند، به ویژه زمانی که وظیفه پیغمبر هم معلوم است. میتوان گفت که هرکس این الفاظ را به یک پیغمبر [عیسی] نسبت داده ازو نقل قول نماید، خودش کافر است.

مسلمانان، آنچنانکه قرآن بیان میدارد، ایمان دارند که عیسی (ع) صلیب نشده است. دشمنان او میخواستند او را بر صلیب کشیده بقتل رسانند، اما الله متعال او را از دسیسه آنها نجات داد. قرآن کریم در 4: 157 میفرماید:

{و خداوند برایشان خشم گرفت به سبب آنکه از روی استهزاء و سخریه میگفتند که: ما عیسی پسر مریم، پیغمبر خدا را کشتیم! در حالی که نه او را کشتند و نه به(صلیب) دارآویختند، ولیکن کار بر آنان مشتبّه شد و(متردد گردیدند که آیا عیسی یا دیگری را کشته اند و در

این باره باهمدیگر اختلاف نظر پیدا کردند و کسانی که درباره او اختلاف پیدا کردند (جملگی) راجع بدو در شک و گمانند و آگاهی بدان ندارند و تنها به گمان سخن میگویند و (باید بدانند که) یقیناً او را نکشته اند (و یقیناً مقتول کس دیگری بوده است).

مسئله حشر مسیح (ع)

قبل از آنکه در مسئله حشر داخل بحث شویم، یادآوری این نکته ضروری است که، روز ایستر، روز مزعوم قیام و دوباره برخاستن عیسی (ع) بعد از مرگ، در اصل یکی از عید های مردمان بت پرست و مشرک روم بود که از اله سپیده دم و خدای بهاران "Eoster" توتنی باستانی (آلمانی)، در هنگام اعتدال بهاری (Vernal equinox) (زمانیکه آفتاب از خط استوا میگذرد و در نتیجه آن شب و روز باهم مساوی میشود) با نذر و قربانی جشن می گرفتند. در حدود قرن هشتم میلادی، نام عید پاک (Easter) به کار برده شده تا از برخاستن عیسی از مردگان جشن بگیرند. یکبار دیگر، درینجا یکبار دیگر مسیحیان جهالت و شرک بت پرستان را به عیسی (ع) ارتباط داده اند.

عقیده حشر و قیام یا برخاستن (بعد از مرگ مسیح (ع)) را مسیحیان از کجا گرفته اند؟ مصدر اصلی این اعتقاد همانا رساله های پولس است (رساله اعمال رسولان 17: 18). پولس، که به ادعای خودش از طرف عیسی (ع) به حیث ولی و پیام رسان تعیین شده است، که هرگز عیسی (ع) را ندیده است، (برخلاف همه شاگردان و حواریون عیسی) او را فرزند خدا خوانده و اعتراف دارد که مسئله حشر مسیح از انجیل اوست (دوم تیموتائوس 2: 8). بنابراین، عقائد کنونی مسیحیان، درباره صلیب، قیام مسیح و کفاره گناهان از تعلیمات عیسی (ع) نبوده بلکه بافته پولس میباشد. به اساس روایت (انجیل مرقس 2: 5) گناهان مردم قبل از اعتقاد مزعوم صلیب و قیام مسیح نیز بخشیده شده است: {وقتی عیسی دید که چقدر ایمانش به او قوی شده است، به آن افلیح فرمود: "پسرم گناهانت بخشیده شد!"}. و انجیل لوقا 7: 48 {واو (عیسی) به آن زن فرمود: "گناهانت بخشیده شد!"}

علاوه برین، دانستن این حقیقت که عیسی (ع) قبل از حادثه صلیب و قیام مزعوم، گناهان بعضی را معاف نموده است، عقیده دروغین دیگر را که گویا خون عیسی (ع) باعث شستن گناهان میشود، رد مینماید. به روایت (سفر تثنیه 24: 16):

{نه پدر به خاطر گناه فرزند و نه فرزند بخاطر گناه پدر هلاک خواهد شد. هر انسان مسؤل گناهان خویش است}.

عقائد کنونی مسیحیان عقیده پولس است. او عقیده خود را در رساله رومیان 7: 1-4 چنین توجیه مینماید:

{ای برادران، شما از شریعت اطلاع دارید و می دانید که انسان فقط تا زمانیکه زنده است مجبور به اطاعت از شریعت است. مثلاً: یک زن شوهر دار تا وقتی شوهرش زنده است شرعاً به او

تعلق دارد اما اگر شوهر او بمیرد، دیگر آن زن از قانونی که او را به شوهرش مقید می ساخت آزاد است. از این جهت اگر آن زن در زمان زندگی شوهرش با مرد دیگر زندگی کند زنا کار خوانده خواهد شد اما اگر شوهرش بمیرد دیگر این قانون شامل حال او نیست و چنانچه با مرد دیگری ازدواج کند مرتکب زنا نمی شود.

ای برادران! شما هم در همین وضع هستید. شما چون جزئی از بدن مسیح هستید، نسبت به شریعت مرده اید و اکنون به آن کسی که پس از مرگ زنده شد تعلق دارید، تا در نتیجه برای خدا ثمری بیاوریم.

در نوشته های فوق، پولس به وضاحت بین عیسی (ع) و مسیح فرق قائل شده است. به اساس استدلال او، شریعتی که پیروان عیسی را به عیسی (ع) وابسته میساخت، دیگر اعتبار نداشته زیرا او مرده است. ازین بعد پیروان عیسی با او رابطه ازدواج نداشته بلکه در عقد مسیح درآمده اند، که شریعت مستقل دیگری را از طریق وحی مستقیم به او (پولس) داده است. بنابراین ضروریست که مسیح را پیروی کنند نه عیسی (ع) را. پس هرکه از تعالیم عیسی (ع) پیروی میکند، در حقیقت او گمراه است. با استفاده ازین استدلال بود که پولس عقیده وافکار خود را در باره نجات و کفاره گناهان جمع بندی کرد. عیسی (ع) هرگز این نظریه را تعلیم نداده بود. برای پولس این یک پیروزی به نظر میرسید، زیرا، در کلماتی چند، توانست بگوید که هرکه هرچه دلش میخواهد، بکند بدون اینکه در فکر عاقبت آن باشد به شرط اینکه در آخر کار بگوید: "من به مسیح ایمان دارم". دراصل، پولس استدلالش را بر اساس مقدمه غلط بناء نهاده است، زیرا عیسی (ع) نه صلیب شده بود و نه دوباره محصور شده است. بناء هردو اصل اعتقادی پولس: ریزش گناهان و کفاره گناهان باطل و غلط است.

آیا میدانید که عقیده کفاره گناهان در حدود سه یا چهار قرن بعد از عیسی (ع) توسط کلیسا پذیرفته شده است؟ لطفا سفر تثنیه 16: 24، سفر ارمیا 31: 30 و حزقیال 18: 20 را بخوانید، به این مطلب پی خواهید برد که عقیده کفاره گناهان مخالف و متعارض با عهد عتیق/ تورات، است.

{ نه پدر به خاطر گناه فرزند و نه فرزند بخاطر پدر هلاک خواهد شد. هر انسان مسؤول گناهان خودش است. سفر تثنیه 24: 16 }

{ هر شخص بخاطر گناه و بی عدالتی خودش مجازات خواهد شد. ارمیا 31: 30 }

{ طفل بخاطر گناه والدین مجازات نخواهد شد، و نه والدین به خاطر طفل مجازات می شود؛ نیکی نیکوکار برای خودش و بدی فاسد برای خودش میباشد. کتاب حزقیال 18: 20 حال آیات انجیل متی 1: 7-2، و اول قرنیتان 3: 4 را بخوانید. هیچ دلیلی برای کفاره "گناه فطری" دیده نمیشود. زیرا انجیل متی 19: 14 به وضاحت بیان میدارد که همه اطفال به

ملکوت خدا مربوط اند. این عقیده " تعلق داشتن به ملکوت خداوند" مطابق با عقیده اسلامی است:

{هرمولود (طفل نوزاد)، مسلمان تولد میشود، سپس پدر و مادرش او را یهودی یا مسیحی و یا مجوسی تربیه مینمایند}. (مضمون حدیث شریف)

به اساس روایت انجیل مرقس 11: 25-26، ولوقا 11: 4-1 عیسی (ع) فرموده است که خداوند گناهان را میآمرزد. پس هیچ دلیلی برای کفاره گناهان وجود ندارد.

{ولی وقتی دعا میکنید اگر نسبت به کسی کینه دارید، او را ببخشید، تا پدر آسمانی شما از سر تقصیرات شما بگذرد و شما را ببخشد. ولی اگر شما نبخشید، پدر آسمانی شما نیز تقصیرات شما را نخواهد بخشید}. انجیل مرقس 11: 25-26

وانجیل لوقا چنین میگوید:

{روزی عیسی مشغول دعا بود. وقتی دعایش تمام شد، یکی از شاگردان به او گفت: خداوند! همانطوریکه یحیی طرز دعا کردن را به شاگردان خود آموخت، تونیز به ما بیاموزان.

عیسی به ایشان گفت که چنین دعا کنید: ای پدر نام مقدس تو گرامی باد. ملکوت تو برقرار گردد. نان مورد نیاز ما را روز به روز به ما ارزانی فرما. گناهان ما را ببخش. چنانچه ما نیز آنانی را که به ما خطا کرده اند میبخشیم. ما را از وسوسه شیطان دور نگهدار}. انجیل لوقا 11: 4-1

یکبار دیگر تذکر باید کرد که عیسی (ع) تورات را که به موسی (ع) وحی شده بود منسوخ قرار نداده بلکه پولس شریعت موسی (ع) را از بین برد. درینمورد اعمال رسولان 13: 39 را بخوانید:

{برادران توجه کنید! درعیسی برای گناهان شما امید آمرزش هست. هرکه به او ایمان آورد از قید تمام گناهانش آزاد خواهد شد و خدا او را خوب و شائسته به حساب خواهد آورد؛ و این کاریست که شریعت یهود هرگز نمیتواند برای ما انجام دهد}.

قدرتی را که پولس برای خود اندوخته بود، به او اجازه داد تا ادعا کند که رحمت انجیل برای همه ایمانداران عام بوده، تنها منحصر به یهودان نمیباشد. درحالیکه این ادعای او با وظیفه، مقصد و تعلیمات عیسی (ع) کاملاً در تضاد است. رسالت اصلی عیسی تصحیح و تطبیق شریعت تورات بوده است.

همان وحی ایکه آدم، ابراهیم، موسی، نوح و سائر انبیاء (ع) را هدایت نمود، شامل پیشبینی های درباره رسالت پیغمبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم نیز میباشد که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است.

محمد (صلی الله علیه وسلم) در نصوص کتاب مقدس

همانطوریکه قرآن کریم بدان اشاره نموده است، پیش بینی و خوش خبریها در مورد پیغمبری حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) در هر دو بخش کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید، یافت میشود:

{به ویژه رحمت خود را اختصاص میدهم به} کسانی که پیروی میکنند از فرستاده (خدا محمد مصطفی) پیغمبر امی (که خواندن و نوشتن نمیداند ووصف او را) درتورات وانجیل نگاشته می یابند. او آنان را به کار نیک دستور میدهد و ار کار زشت باز میدارد، وپاکیزه ها را برایشان حلال مینماید وناپاکها را بر آنان حرام میسازد وفرو می اندازد وبنده وزنجر (احکام طاقت فرسای همچون قطع مکان نجاست به منظور طهارت،وخود کشی بعنوان توبه) را از (دست وپا وگردن) ایشان بدر میآورد (واز غل واستعمار واستثمار شان میرهاند). پس کسانی که به او ایمان بیاورند واز او حمایت کنند ووی را یاری دهند، واز نوری پیروی کنند که (قرآن نام است وهمسان نور مایه هدایت مردمان است و) بهمراه او نازل شده است، بیگمان آنان رستگارند}. (سوره اعراف 157)

من به دو پیشبینی وبشارت کتاب مقدس، که به کس دیگری جز محمد (صلی الله علیه وسلم) صدق نمیکند، اشاره مینمایم.

1. درعهد عتیق (تورات) به موسی (ع) مژده داده شده است که خداوند به برادران بنی

اسرائیل پیغمبری میفرستد، که درتاسیس ورهبری امت، نمونه والگوبودن برای مؤمنان،

شبهه موسی (ع) میباشد. سفر تثئیه 18: 18-20

{ من از میان آنها (برادران بنی اسرائیل) پیغمبری مانند تو برایشان خواهم فرستاد، به او خواهم گفت که به مردم چه بگوید اوسخنگوی من نزد مردم خواهد بود فردی که به او گوش نکند وبه پیامش که از جانب من است توجه نکند او را مجازات خواهم کرد}.

مسیحیان حتما ادعا خواهند کرد که این پیشبینی به عیسی (ع) اشاره میکند. نخیر، بلکه این آیت در باره پیغمبر اسلام، محمد صلی الله علیه وسلم است نه عیسی (ع)، زیرا محمد (صلی الله علیه وسلم) شبهه موسی (ع) از پدر ومادر زاده شده ، ازدواج نموده، بانی امت مؤمن وایماندار بوده، شریعت مستقل وپایدارآورده ومانند موسی (ع) با وفات طبیعی دنیای فانی را وداع گفته است. برادران بنی اسرائیل ،اولاده ابراهیم (ع) از پشت اسحق (ع)، همانا اولاده اسمعیل (ع) میباشد که نیز از تبار ابراهیم (ع) است. به دلیل اینکه عیسی (ع) خود از پیغمبران بنی اسرائیل است، خارج ازین پیشبینی میباشد، درغیر آن، آیت باید چنین میبود که: {یک پیغمبری از میان خودشان (بنی اسرائیل) میفرستم}.

بیائید بعضی از ویژگیهای این سه پغمبر بزرگوار، موسی، محمد وعیسی (علیهم الصلاة والسلام) را باهم مقایسه نمائیم. تا آن پیغمبر مانند موسی (ع) که قرار بود بیاید شناسائی شود. این مقایسه را از کتاب مناظره مسلمانان ومسیحیان، چاپ سال 1980م ، صفحه 40 گرفته ام:

نکات قابل مقایسه	موسی (ع)	محمد (صلی الله علیه وسلم)	عیسی (ع)
ولادت	طبیعی	طبیعی	غیر طبیعی (بدون پدر)
حالت مدنی	متزوج ودارای اولاد	متزوج ودارای اولاد	غیر متزوج بدون اولاد
وفات	طبیعی	طبیعی	غیر طبیعی

ثبت و نوشتن وحی الهی	تورات در زنگی اش ثبت و نوشته شده است	در زنگی اش وحی نوشته شده است	انجیل بعد از وفات او نوشته شده است
وحی که با خود آورده است:	شامل اخلاق و شریعت	شامل اخلاق و شریعت	صرف اخلاق
قیادت	در زندگی اش قبول شده	در زندگی اش قبول شده	در زندگی اش رد شده

2. اکنون به یک پیشبینی عهد جدید (انجیل) در مورد محمد (صلی الله علیه وسلم) توجه فرمائید.

انجیل یوحنا 14:16 میفرماید:

{ و من از پدرم درخواست خواهم کرد که تسلی بخش دیگری به شما عطا فرماید که همیشه با شما بماند. }

این آیت به وضاحت بیان میدارد که یکی دیگر، غیر از او، و بر علاوه او، اما از همان جنس ولی با ویژگیهای کاملاً مستقل از اولی به اساس دعای عیسی (ع) فرستاده خواهد شد. سؤال یک میلیون دالری اینست که، این شخص تسلی دهنده که است؟ جهان مسیحیت با اتفاق خواهند گفت که این تسلی دهنده (و کمک رسان یا پشتیبان که جدیداً به نص اضافه شده است) روح القدس یا روح مقدس است. این جواب را تنها و تنها انجیل یوحنا 14:26 تأیید مینماید که:

{اولی وقتی خدای پدر "تسلی بخش" را به جای من فرستاد، منظورم همان روح القدس است، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد؛ در ضمن هر چه من به شما گفته ام، به یاد تان خواهد آورد.}

گرچه، آیات 16 و 26 اصحاح 14 انجیل یوحنا با همدیگر درین نکته که، اگر 14:16 میگوید: تسلی بخش دیگری (another) فرستاده خواهد شد، سپس 14:26 میگوید: آن یک دیگر (other one) که فرستاده خواهد شد روح القدس است متناقض و ضدونقیض همدیگر اند. معنای این بیان اینست که در مجموع دو روح القدس فرستاده خواهد شد. کاربرد لفظ "دیگری" (another) در 14:16 به این معناست که یک قبل از آن وجود داشت.

درباره اینکه روح القدس دیگری فرستاده خواهد شد، عده از مسیحیان دفاع نموده میگویند که روح القدس هنوز به زمین نیامده بود. خوب، در کتاب مقدس مثالهای زیادی از رفت و آمد روح القدس قبل از ولادت و رحلت مسیح (ع) وجود دارد: انجیل لوقا 1:15 (یحیی تعمید دهنده)، و لوقا 1:41 (الیزابت)، لوقا 1:67 (زکریا)، لوقا 2:26 (شمعون)، لوقا 3:22 (عیسی).

روح القدس عیسی (ع) را در معبد (ministry) و شاگردانش را در کارهای تبلیغ و شفا و معالجه امراض کمک مینمود. اگر باز هم در باره کار روح القدس شک دارید لطفا انجیل یوحنا 20:21-22 را بخوانید که میگوید:

{عیسی باز به ایشان سخن گفت و فرمود: همچنانکه پدر مرا به این جهان فرستاد، من نیز شما را به میان مردم میفرستم. آنگاه به ایشان دمید و فرمود: روح القدس را بیابید}.
بیاد داشته باشید، که درین وقت عیسی (ع) هنوز دنیا را ترک نگفته بود. برای اینکه تسلی دهنده بیاید، عیسی فرمود که او باید برود و دنیا را ترک گوید تا اینکه تسلی دهنده بیاید. انجیل یوحنا 16:7 چنین بیان میدارد:

{ ولی در حقیقت رفتن من به نفع شماست، چون اگر نروم، آن تسلی بخش، که روح پاک خداست، نزد شما نخواهد آمد. ولی اگر بروم او خواهد آمد، زیرا خودم او را نزد شما خواهم فرستاد}.

علاوه براین، آیت یوحنا 14:26 با پیشبینی آشکار دیگر عیسی (ع) در باره تسلی دهنده تضاد دارد. با خود نوت کنید که هیچ آیت دیگری جز 14:26 در کتاب مقدس نیست که دران عیسی (ع) روح القدس را به ضمیر "او" خوانده باشد. در همه آیات دیگر کتاب مقدس روح القدس صرف بنام روح القدس Holy Spirit/Ghost یاد شده است. اگر آیت مذکور را یکبار دیگر با غور و دقت مطالعه نمائیم، ملاحظه خواهیم کرد که نویسندگان با مهارت تام خواسته است که با جا زدن و تدلیس جملهء " که روح پاک خداست " خواننده را به نتیجه خود خواسته اش سوق دهد. همچنان تدلیس و جا کاری را در آیت 14:22 مشاهده مینم، آنجائیکه تعلیق " البته نه یهودای اسخریوطی " تدلیس و جازده شده است.

{یکی از شاگردان او بنام یهودا (البته نه یهودای اسخریوطی) پرسید: " ای استاد، چرا خود را فقط به شاگردانتان نشان میدهید نه به مردم دنیا؟ }

برای ثبوت اینکه صفت "تسلی دهنده" (comforter) به روح القدس اطلاق نشده، آیا میدانید که (comforter) ترجمه انگلیسی لفظ یونانی "periclytos" پریکلاتوس میباشد که ترجمه لفظی کلمه عبری (Mouhamana) میباشد، که توسط عیسی (ع) تلفظ شده است، و با اسم محمد (Mohammad) پیغمبر آخر زمان که قبل از آمدن بار دوم عیسی (ع) باید بیاید، ارتباط میگیرد. همچنان، در نسخه یونانی عهد جدید، لفظ روح (the spirit) به شخصی "دارای نیروی مکالمه روحانی"، یا وحی اطلاق شده است. شخصی که بر او وحی نازل شده و او را پوشانده باشد، نیز روح خوانده شده است.

آیات دیگری که " تسلی دهنده " را ذکر مینماید، انجیل یوحنا 15:26 میباشد که میگوید:
{ اما زمانیکه تسلی دهنده می آید، که من به شما میفرستم از جانب پدر، روح حقیقت که از طرف پدر میآید، او مرا تصدیق میکند}.

حال به یوحنا 16: 12-14 توجه نمائید که تصویر کاملتر از محمد (صلی الله علیه وسلم) و دین اسلام میدهد:

{ بسیار چیزهای دارم که بگویم ولی افسوس حال نمیتوانید بفهمید. ولی وقتی او، روح پاک خدا (تسلی دهنده) که سرچشمه همه راستی ها است بیاید، تمام حقیقت را به شما آشکارا خواهد ساخت؛ زیرا نه از جانب خود بلکه هرچه را میشوند (به او وحی میشود) آنرا میگوید؛ اواز آینده نیز شما را باخبر خواهد ساخت. او مرا به بزرگی یاد خواهد نمود زیرا او از من خواهد گرفت آنچه از من است و به شما اعلان مینماید}.

این ویژگیها و خصوصیات تسلی دهنده تنها در محمد (صلی الله علیه وسلم) صدق میکند. چنانچه ملاحظات آتی نشان میدهد:

1. قرانکریم نام عیسی (ع) را 20 بار بیشتر از نام محمد (صلی الله علیه وسلم) یاد میکند. یهود عیسی (ع) را پیغمبر کاذب خوانده مادرش را به بد اخلاقی متهم کردند. آنها کوشیدند تا او را به صلیب بکشند. پیغمبر اسلام، محمد (صلی الله علیه وسلم) عیسی (ع) را پیغمبر بزرگ خوانده است. قرآن کریم او را "کلمه خدا" خوانده است. قرآن به عیسی (ع) معجزه ای را نسبت داده است که در کتاب مقدس مسیحیان قطعاً ذکر نشده است. این معجزه زمانی صورت گرفت که عیسی (ع) در گهواره سخن گفت. اگرچه، قصه عیسی ناصری را که در ایام جشن میلاد کرسمس و جشن برخاستن و قیام عیسی از مردگان آنرا به نمایش میگذارند، این معجزه را ذکر مینمایند. این معجزه عیسی (ع) را از کجا آموخته اند؟ در حالیکه این معجزه تنها در قرآن ضمن دفاع از پاکدامنی مریم (ع) ذکر شده است:

{مریم} اشاره بدو (یعنی نوزادش عیسی) کرد (و گفت با او حرف بزنید). گفتند: ما چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوئیم؟
(هنگامیکه عیسی سخن ایشان را شنید) گفت: من بنده خدایم، برای من کتاب (آسمانی انجیل) را خواهد فرستاد و مرا پیغمبر خواهد کرد.

و مرا - در هر کجا که باشم - شخص پربرکت و سودمندی (برای مردمان) مینماید، و مرا به نماز خواندن و زکات دادن - تا وقتی که زنده باشم - سفارش میفرماید.
(و مرا سفارش میفرماید) به نیکی و نیکرفتاری در حق مادرم، و مرا (نسبت به مردم) زورگو و بدرفتار نمیسازد.

وسلام (خدا) بر من است (در سراسر زندگی) آن روز که متولد شده ام، و آن روز که میمیرم، و آن روز که زنده برانگیخته میشوم!

این عیسی پسر مریم، (با این صفات و خصال) که گذشت. این سخن راستین درباره او است، سخن راستینی که در آن تردید میکنند}. سوره مریم 29-34

وهمچنان از دیدگاه اسلام، مریم(ع) مادر عیسی(ع) یکی از پاکدامن ترین زنان دنیا و بهترین زنان بهشت میباشد. فلهمذا، محمد (صلی الله علیه وسلم) عیسی (ع) را به بزرگی و احترام یاد نموده است. بر علاوه در قرآن سوره ای بنام مریم (ع) مسمی است. و نامش 14 بار بیشتر از کتاب مقدس در قرآن آمده است.

2. قرآن توسط جبرائیل(ع) به پیغمبر اسلام، محمد(صلی الله علیه وسلم) وحی شده است. زمانیکه، جبرائیل(ع) قرآن را به محمد(صلی الله علیه وسلم) وحی وبه سمع مبارکش میرساند، آنحضرت (صلی الله علیه وسلم) آنچه برایش رسیده بود (وبه او وحی شده وبه سمعش رسیده بود) بدون کم وکاست، یا اضافه کردن ویا فراموش کردن، به کاتبین و نویسندگان وحی و دیگر یارانش املاء میفرمود. (ملاحظه: فرشته جبرائیل (ع) را عادت آن بود که هر سال در ماه مبارک رمضان پیغمبر(صلی الله علیه وسلم) را زیارت نموده وبر وی قرآن را تلاوت مینمود، و در رمضان سال اخیر حیات آنحضرت (صلی الله علیه وسلم) جبرائیل دو بار، مکمل قرآن را بر وی تلاوت نمود تا نص قرآن را تاکید نماید.) قرآن محمد (صلی الله علیه وسلم) را چنین توصیف مینماید:

{ واز روی هوی وهوس سخن نمیگوید. آن (چیزی که با خود آورده است وبا شما در میان نهاده است) جز وحی وپیامی نیست که (از سوی خدا بدو) وحی وپیام میگردد}.

سوره نجم 3-4

اگر آیات فوق را (نجم 3-4) با آیت (یوحنا 16: 13) { او از خود سخن نمیگوید} مقایسه نماییم، شباهت تام بین مواصفات "تسلی دهنده" و محمد (صلی الله علیه وسلم) را تأیید خواهید نمود.

3. نکته مهم دیگر اینکه، محمد (صلی الله علیه وسلم) یگانه پیغمبری است که بعد از عیسی (ع) آمده است. بین آن دو پیغمبر فاصله شش قرن وجود داشت. رسالت عیسی(ع) محدود و منحصر به آخرین فرد خاندان اسرائیل بوده، حالانکه پیام و رسالت محمد(صلی الله علیه وسلم) جهانی بوده یکسان همه انسانها را دربرمیگیرد، به شمول کلیمی و غیر کلیمی، سامری و غیر سامری، عرب و عجم. رسالت محمد (صلی الله علیه وسلم) تنها ویگانه پیامی است که مشیئت خداوندی رفته تا یک پیام جهانی و جاودانی باشد.

خاتمهء کتاب

برادران و خواهران مسیحی ام، با معلوماتیکه در کتاب داده شده است، امیدوارم این مطلب را درک کرده باشید که مسیحیت امروزی اعم از: عقیده فرزند خدا بودن مسیح؛ عقیده تثلیث (ایمان به سه خدا)؛ و عقیده بر اینکه عیسی به خاطر کفاره گناهان انسانها جان خود را

فدا کرد، همه عقائد مذکور بر اساسات ضعیف و مشکوک استوار است. اساسی که بر عناصر ذیل بنیافته است:

1. همه انجیل های کنونی توسط یکنفر انسان قاتل سه صد سال بعد از رفعت عیسی (ع) رسمیت پیدا کرده است.
 2. 300 انجیل دیگر از بین برده شده است.
 3. کلمه " یگانه فرزند مولود خدا " نیز توسط همان انسان ظالم و سفاک رسمیت داده شده است.
 4. نام انجیل به عنوان نوشته های : به روایت؛ متی، مرقس، لوقا و یوحنا اضافه شده است.
 5. انجیل های موجود بین سالهای 60-100 بعد از مسیح نوشته شده اند.
 6. انجیل ها توسط شخص سوم نوشته شده است. (نویسندگان انجیل های موجوده نه عیسی و نه شاگردان او و نه شاهد عینی بوده است.)
 7. آیت عقیده تثلیث یکبار از کتاب مقدس دور شده بود و بعدا دوباره اضافه شده است.
 8. تثلیث هم سه صد سال بعد از عیسی (ع) به حیث عقیده پذیرفته شده است.
 9. نام مسیحی را اولین بار مشرکان و بت پرستان بر اتباع عیسی (ع) نامگذاری نموده است.
 10. رخصتی و روزهای تعطیل کنونی مسیحی از ایام جشن های بت پرستان اخذ شده است.
 11. تاویل و ترجمه غلط و نادرست از نصوص به منظور فریبکاری و خداع دیگران.
 12. هیچ یک حواریون و شاگردان یا نویسندگان انجیل عیسی (ع) را ندیده اند که بر بالای صلیب کشیده و مرده باشد.
 13. عقائد مسیحیت امروزی، وضعی بوده، ساخته و پرداخته انسان است.
- باین نظر داشت اصل وریشه اعتقادات مسیحیت، غیر منطقی به نظر میرسد، که یکی از این ارکان اعتقادی قابل اعتبار پنداشته و پذیرفته شود. کتاب مقدس به ما از نتیجه کار کسی که خانه اش را بی تهداب آباد مینماید، خبر میدهد که نابودی کامل است و بس.
- تا دیر نشده، اساسات اعتقادی وضعی و دست ساخته مسیحیت امروزی باید شما را به این وادارد تا در جستجوی آئین و روش زندگی ای برائید که مورد قبول پروردگار قرارگیرد. برنامهء زندگی ای که پیروزی دنیا و آخرت را ضمانت نموده از عذاب آتش جهنم نجات دهد.

قبل خاتمه می‌خواهم دوستان مسیحی را متوجه این حقیقت نمایم که: ازین روز به بعد گفته نمیتوانی که در باره پیام اسلام، پیغمبر محمد، ویا اینکه قرآن درباره عاقبت کسی که به خدا شریک قرارمیدهد چه میگوید، هرگز نه شنیده ام. زیرا در روز آخرت از تو سؤال خواهد شد که چرا اسلام را قبول نکرده اید؟ خواهشمندم آیت قرآنی ذیل را با دقت و غور مطالعه کنید که پیغمبر اسلام محمد (صلی الله علیه وسلم) امر شده است که به جهانیان بگوید:

{ بگو(ای محمد) که من جز انسانی مثل شما نیستم، به من وحی میشود که اله شما جز خدای واحد نیست. پس هرکه آرزومند لقای پروردگارش باشد، پس باید عمل صالح نماید ودر عبادت پروردگارش کسی را شریک قرار ندهد}. (سوره کهف 110)

محمد (صلی الله علیه وسلم) آیت فوق را چنین توضیح مینماید: { سوگند به ذاتی که زندگی ام در دست اوست، هیچ مسیحی ویهودی ای نیست که در باره من میشنود و به من و آنچه به من نازل شده است، ایمان نمی آورد مگر اینکه از جمله اهل جهنم بشمار میرود}.

برادران وخواهران مسیحی ام ! از شما دعوت به عمل می آورم که دین والدین وپدران تانرا جانب گذاشته ، وگامی به سوی پژوهش وتحقیق علمی ، مطالعه وآموختن وبلاخره انتخاب دین هدایت آسمانی وحکمت بردارید. از امروز با خواندن کلمه شهادت: {أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمدا عبده ورسوله}(شاهدی میدهم که هیچ معبود برحق نیست به جز الله وشاهدی میدهم که محمد بنده وفرستاده اوست) وایمان آوردن به آن مسلمان شوید وشروع به پیروی پیام اصلی همه پیغمبران الهی شوید. اگر راستی به خدا ایمان دارید ، کتاب مقدس ترا بسوی روش زندگی اسلامی میکشاند، اگرخواست خدا باشد، درست آنچنانکه مرا بسوی اسلام رهنمائی کرد.

السلام علیکم ورحمة الله